



گفت‌وگوی «پیام ما» با استاد مطالعات توسعه در نقد توسعه ناپایدار شهرها

بوی رستگاری از شهر نمی‌آید

فرصت دیدن زندگی سبز ۲۵۰۰ ساله

آیا کهن‌دارها می‌توانند گردشگری پایدار ایجاد کنند؟

لوله‌های گاز یا بمب ساعتی؟

پرونده گازکشی در بازار جهانی تبریز همچنان باز مانده است



یک سوم آب شرب «مُت» مصرف می‌شود

تهدید فرونشست از تخت جمشید تا برج طغرل

انحلال سازمان منابع طبیعی یعنی تهدید امنیت آینده ایران



آینده مسموم

«پیام ما» وضعیت پسماندسوزها و احتمال تولید گازهای آلاینده را در گفت‌وگو با مدیرکل دفتر مدیریت پسماند سازمان حفاظت محیط‌زیست بررسی می‌کند

مهدی الحامی - مهر

خبرش

پروژه هوش مصنوعی با بودجه میلیاردی روی میز دولت

افشین اعلام کرد دو استراتژی اصلی برای توسعه هوش مصنوعی تعریف شده است: نخست، حمایت از پروژه‌های دانشگاهی و پایان‌نامه‌های دانشجویی واقعی که به نیازهای عملی کشور پاسخ دهند و دوم، پشتیبانی از شرکت‌های دانش‌بنیان در مسیر کاربردی‌سازی فناوری. او خبر داد که تاکنون نزدیک به ۳۰ قرارداد با شرکت‌های دانش‌بنیان منعقد شده و فراخوان جدیدی نیز برای وزارت صنعت، معدن و تجارت منتشر خواهد شد.

یکی از بخش‌های دیگر سخنان معاون علمی، به آموزش هوش مصنوعی در مدارس اختصاص داشت. او گفت: «با همکاری وزارت ارتباطات قرار است دو میلیون دانش‌آموز تحت آموزش رایگان و آنلاین هوش مصنوعی قرار گیرند. تاکنون ۶۰۰ هزار نفر ثبت‌نام کرده‌اند و این دوره‌ها بازی‌محور و جذاب طراحی شده است. همچنین، ۳۰۰ هزار معلم نیز از هفته آینده وارد این دوره‌های آموزشی می‌شوند.»

پروژه دستیار هوش مصنوعی، با بودجه‌ای بین ۱۳ تا ۱۵ میلیارد تومان برای هر وزارتخانه و محوریت مدل‌های بومی، یکی از برنامه‌های کلیدی دولت برای حرکت به سمت دولت هوشمند معرفی شده است. درحالی‌که تأخیر دوماهه در اجرای آن به چشم می‌خورد، معاون علمی رئیس‌جمهور امیدوار است با همکاری دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، این عقب‌ماندگی جبران و هوش مصنوعی از سطح پژوهش به عرصه کاربردی و حکمرانی نزدیک‌تر شود.

معاون علمی رئیس‌جمهور گفت: «یکی از اصول مهم ما استفاده از مدل‌های بومی است. تاکنون ۷۰ درصد پروژه برپایه مدل‌های زبانی ایرانی اجرا شده و تنها حدود ۳۰ درصد از دانشگاه‌ها سراغ مدل‌های غریب‌زبان رفته‌اند. تأکید ما بر این است که داده‌ها از کشور خارج نشود و توسعه فناوری در داخل اتفاق بیفتد.»

او تصریح کرد که بومی‌سازی نه صرفاً در ظاهر، بلکه در توسعه واقعی فناوری داخلی «هدف‌گذاری شده است.»

افشین هشدار داد: «دانشگاه‌ها و دستگاه‌هایی که همکاری لازم را نداشته باشند از پروژه حذف می‌شوند و داده‌ها در اختیار دیگر دانشگاه‌ها قرار خواهد گرفت. این طرح فرصتی ملی است و نباید با کم‌کاری برخی دستگاه‌ها متوقف شود.» او افزود: «ما دانشگاه‌ها را به دستگاه‌های اجرایی دیگر متصل می‌کنیم تا کار ادامه پیدا کند. کسانی که در مسیر توسعه فعال باشند، حمایت می‌شوند و کسانی که همراه نباشند، از سبب حمایتی کنار گذاشته خواهند شد.» به گفته افشین، ایران از نظر علمی رتبه مناسبی در حوزه هوش مصنوعی دارد، اما در بخش صنعتی و کاربردی، جایگاه کشور حدود رتبه ۷۰ تا ۷۵ است. او تأکید کرد: «هدف ما نزدیک کردن علم به صنعت و کاربرد است. با اجرای این پروژه می‌توانیم به سمت حکمرانی خوب حرکت کنیم؛ تصمیماتی که به‌روزتر و با تبعات کمتر اتخاذ می‌شوند.»

پیام ما | معاون علمی رئیس‌جمهور از اختصاص بودجه ۱۵ میلیارد تومانی برای توسعه «دستیار هوش مصنوعی» در دستگاه‌های اجرایی خبر داد و تأکید کرد دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی که در اجرای این پروژه تعلل داشته باشند، کنار گذاشته خواهند شد. «حسین افشین»، در آیین رونمایی از فاز اول دستیار هوش مصنوعی دستگاه‌های اجرایی گفت: «از اسفندماه سال گذشته قرارداد این پروژه با دانشگاه‌ها بسته شد و اکنون حدود ۱۴ دانشگاه درگیر اجرای آن هستند. تاکنون شش دانشگاه خروجی‌های اولیه خود را ارائه داده‌اند. باین‌حال، دو ماه از زمان‌بندی اولیه عقب هستیم و امیدواریم دانشگاه‌ها این عقب‌ماندگی را جبران کنند.»

به گفته او، در این پروژه هر وزارتخانه برای تمام فازها بین ۱۳ تا ۱۵ میلیارد تومان بودجه دریافت می‌کند و اگر دانشگاهی مسئول اجرای دستیار دو وزارتخانه باشد، اعتبارات آن به حدود ۳۰ میلیارد تومان خواهد رسید. افشین درباره مراحل اجرای طرح توضیح داد: «مرحله اول شامل بازنگاری تمام قوانین و مقررات در دستیار هوش مصنوعی بود تا مغایرت‌ها شناسایی شود. در مرحله دوم داده‌های وزارتخانه‌ها، از جمله اطلاعات تولید کشاورزی و شاخص‌های روزمره، در سامانه قرار می‌گیرد. مرحله سوم به پیش‌بینی و مدل‌سازی اختصاص دارد و در مرحله چهارم صحت‌سنجی انجام خواهد شد تا دقت تصمیمات افزایش یابد.»

براساس گزارش ایسنا او تأکید کرد این پروژه «یک طرح پویا و زنده» خواهد بود و طی سال‌های آینده بهینه‌سازی می‌شود.

خبرش

مسعود پزشکیان:

مدیر پروازی به درد نمی‌خورد

رئیس‌جمهور از حضور مدیران غیربومی در پروژه‌های مناطق مختلف کشور، بر اولویت دادن به کارشناسان و نیروهای محلی تأکید کرد و گفت: «مدیر پروازی به درد نمی‌خورد. باید از استفاده مدیران پروازی دست برداریم و ظرفیت‌های انسانی منطقه را به کار بگیریم.»

مسعود پزشکیان صبح دیروز در مراسم ویدئوکنفرانسی بهره‌برداری از طرح ملی جمع‌آوری گازهای همراه (NGL۳۱۰۰) در دهلران، از استاندار ایلام، نماینده رهبر انقلاب، نیروهای امنیتی و مردم استان به‌ویژه در ایلام اربعین حسینی قدردانی کرد و گفت: «قدران زحمات وزیر نفت و مدیرانی هستم که این اقدام بزرگ را محقق کردند.» براساس گزارش ایرنا، او خطاب به مجریان طرح هشدار داد اعلام پایان پروژه در سال ۱۴۰۷ «بسیار دیر» است و دولت انتظار دارد با تشکیل یک گروه ویژه، روند اجرا سرعت گیرد. رئیس‌جمهور تأکید کرد دولت برای پیشبرد سریع‌تر کار، همه‌گونه همکاری خواهد داشت.

تأکید رئیس‌جمهور بر استفاده از نیروهای بومی درحالی‌است که سال‌ها انتقاد نسبت به مدیریت «پروازی» در پروژه‌های نفتی و عمرانی در استان‌های مرزی مطرح بوده است. منتقدان می‌گویند حضور مدیران غیربومی نفع‌ناخواه شکوفایی ظرفیت‌های انسانی منطقه می‌شود، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی نیز منجر می‌شود. پزشکیان نیز در سخنان امروز خود بار دیگر بر این نکته انگشت گذاشت و خطاب به مسئولان گفت: «اولویت باید با کارشناسان و کارکنان بومی منطقه باشد. مدیر پروازی به درد نمی‌خورد.» با بهره‌برداری از NGL۳۱۰۰ و تأکید رئیس‌جمهور بر بومی‌گرایی در مدیریت، انتظار می‌رود توسعه اقتصادی ایلام و استان‌های نفت‌خیز دیگر بیش از گذشته بر توان نیروهای محلی استوار شود.

پایان سال‌ها سوزاندن گاز در دهلران

به گفته پزشکیان، براساس گزارش وزیر نفت، با افتتاح این پروژه سالانه معادل ۷۰۰ میلیون دلار از هدررفت گازهای همراه جلوگیری می‌شود. او افزود: «این یعنی سالانه چینی میزان گاز در حال سوختن و از بین رفتن بود. اکنون با جمع‌آوری آن، عملاً دو برابر درآمدزایی اتفاق می‌افتد. اگر صنایع پایین‌دستی را نیز در نظر بگیریم، علاوه بر درآمد پایدار، اشتغال گسترده‌ای نیز به‌وجود خواهد آمد.» او همچنین بُعد زیست‌محیطی این پروژه را برجسته کرد و گفت خاموشی مشعل‌ها می‌تواند به کاهش آلودگی و بهبود کیفیت زندگی مردم منطقه منجر شود.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):
سال‌های مجاهدت خاموش و دشوار
آزادگان عزیز ما فراموش ناشدنی است

بازگشت پرستوها



بنیاد تخصصی چشم‌پزشکی
روابط عمومی

۲۶ مردادماه، سالروز بازگشت آزادگان سرفراز به میهن را گرامی می‌داریم



تهدید فرونشست؛ از تخت جمشید تا برج طغرل

بیش از ۸۰۰ شهر و ۱۶ کلانشهر ایران در معرض خطر فرونشست قرار دارند

تهدید فرونشست؛ از تخت جمشید تا برج طغرل

فرونشست زمین، پدیده‌ای ژئومورفولوژیک، آرام اما خطرناک است که در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی و اصلی جهان تبدیل شده است. این پدیده در اثر افت تراز سطح آب‌های زیرزمینی، تراکم خاک، فعالیت‌های استخراج میادین نفت، معدن یا عوامل طبیعی ایجاد شده و باعث کاهش ارتفاع سطح زمین و تخریب زیرساخت‌ها می‌شود. در این میان کشور ایران، با اقلیمی خشک، منابع آبی محدود، توسعه نامتوازن و میراث‌فرهنگی غنی، در زمره آسیب‌پذیرترین کشورها دربرابر این بحران قرار دارد. باید توجه داشت که پدیده فرونشست زمین می‌تواند جنبه‌های مختلفی از زندگی انسان را تحت‌تأثیر قرار دهد، اما در این یادداشت قصد داریم به نقش مخرب این پدیده بر آثار تاریخی و سایت و محوطه‌های باستانی بپردازیم.

| احسان محمدحسینی |

| باستان‌شناس و پژوهشگر |

براساس داده‌های رسمی، در حال حاضر بیش از ۸۰۰ شهر و ۱۶ کلانشهر ایران در معرض خطر فرونشست قرار دارند. این مسئله نفع‌تاً تهدیدی برای سکونتگاه‌ها و اراضی کشاورزی است، بلکه میراث گرانبهای تاریخی را نیز در معرض نابودی قرار داده است. طی سال‌های اخیر گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از سی‌وسه‌پل، تخت‌جمشید، مجموعه نقش‌رستم، مسجدجامع اصفهان، آتشکده ری و قنات قصبه گناباد در رسانه‌ها منتشر شده که معمولاً با سکوت و حتی تکذیب مسئولان مواجه شده است. عمق فاجعه زمانی مشخص می‌شود که دریابیم این موارد تنها نمونه‌هایی از قربانیان خاموش این بحران هستند.

با مراجعه به گزارش‌های مرمتی و نقشه‌های پیشین مرتبط با سی‌وسه‌پل می‌توان میزان انحنای موجود در پل را در گذشته و حال حاضر مقایسه کرد

و به‌جای پاک کردن صورت‌مسئله با انجام اقدامات فوری و ضروری از بروز آسیب در این پل تاریخی پیشگیری کرد

۸۵ درصد فرونشست زمین ناشی از برداشت بی‌رویه و غیرمنطقی از آب‌های زیرزمینی است و بی‌برنامگی مسئولان و تلاش برای اقدامات شعارگونه در دولت‌های پیشین با تأکید بر خودکفایی در برخی محصولات کشاورزی، منجر به هجوم بی‌امان به منابع آب زیرزمینی و برداشت بسیار فراتر از حد استاندارد شده است. درنتیجه این سیاست‌های اشتباه، امروزه با کمثوری مواجه شده‌ایم که بسیاری از دشت‌هایش درگیر فرونشست جدی است.

نقاط بحرانی در کشور

دشت تهران – کرچ

نرخ نشست: ۳۶ سانتی‌متر در سال.

آثار تاریخی در معرض خطر: آتشکده ری، برج طغرل، این‌یاپویه.

دشت اصفهان

نرخ نشست: ۱۵–۲۰ سانتی‌متر در سال.

آثار تاریخی در معرض خطر: سی‌وسه‌پل، پل خواجو. شواهد: انحنای مشاهده‌شده در سی‌وسه‌پل که برخی کارشناسان آن را حاصل خشک‌شدن بستر زاینده‌رود و تقش‌رستم نیز دیده می‌شود. اگرچه این موارد با کتمان مرودشت (فارس)

نرخ نشست: ۱۰ سانتی‌متر در سال

آثار تاریخی درمعرض خطر: تخت‌جمشید، پاسارگاد و نقش‌رستم

هخامنشی کردند، اما تاکنون هیچ اقدام جدی برای کنترل پدیده فوق انجام نشده است. در گزارش‌های مربوط به سی‌وسه‌پل نیز آمده است که ایجاد انحن در بدنه پل، به‌رغم تکذیب مسئولان، نشانه‌ای جدی از تهدید زیرساخت این بنای تاریخی است و تداوم این شرایط می‌تواند به نشست کامل منجر شود.

طی سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی مبنی‌برایجاد انحن در بدنه غربی سی‌وسه‌پل اصفهان منتشر شده است. در برخی گزارش‌ها دلایل این موضوع را خشک‌شدن بستر رودخانه و عبور خط مترو از زیر این پل تاریخی عنوان کرده‌اند؛ هرچند مقامات میراث‌فرهنگی این موضوع را تکذیب و ادعا کردند انحنای پیش‌آمده روی سی‌وسه‌پل ناشی از نشست نیست و معتقدند نمی‌توان آن را به خشکسالی یا مسائل مترو مربوط دانست.

با مراجعه به گزارش‌های مرمتی و نقشه‌های پیشین مرتبط با این پل تاریخی می‌توان میزان انحنای موجود در پل را در گذشته و حال حاضر مقایسه کرد و به‌جای پاک کردن صورت‌مسئله، با انجام اقدامات فوری و ضروری از بروز آسیب در این پل تاریخی که یکی از نمادهای شهر تاریخی اصفهان محسوب می‌شود، پیشگیری کرد.

در توضیح این مسئله باید عنوان کرد که براساس آنچه در تصاویر مشخص است، بدنه پل با انحنایی قابل‌مشاهده با چشم روبه‌رو شده است که قطعا در گذشته وجود نداشته است. باید در نظر داشت که ساختن پل‌های کوچک و بزرگ از دیرباز در کشور ما رواج داشته و پل‌هایی نظیر سی‌وسه‌پل و پل خواجو بیش از ۴۰۰ سال قدمت دارند. سی‌وسه‌پل نیز مانند بسیاری از دیگر پل‌های دوره صفوی بدلیل اتخاذ سیاست گسترش راه‌های کاروان‌رو و افزایش بنای کاروانسراها ساخته شد و از سوی دیگر، بیشتر پل‌های قدیمی ایران درواقع پل–بند به‌شمار می‌رفته‌اند، یعنی پل‌هایی بوده‌اند که بصورت سد عمل می‌کردند و آب را تا سطحی بالا می‌بردند و قابل جاری شدن به زمین‌های پیرامون می‌کردند.

همچنین، در هنگام سیلاب نیز این پل‌های بندگونه تا اندازه‌ای کار کنترل سیل را انجام می‌دادند و گاهی نیز به‌گونه این‌راه‌های آب عمل می‌کرده‌اند. افزون‌بر این هدف‌های فنی، ساختن پل‌ها در ایران همواره با توجه خاص به جنبه‌های هنری و زیبایی پل نیز همراه بوده و این نطفه‌نظر در آثار برج‌آی مانده از بعضی از پل‌های قدیمی به‌خوبی منعکس است.

بر بررسی این موارد به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد که پل‌های تاریخی ایران از جمله سی‌وسه‌پل، با هدف تماس دائمی و مداوم با آب ساخته شده‌اند و این موضوع در طراحی سازه و انتخاب مواد استفاده‌شده در آن نیز لحاظ شده است. به همین دلیل، در ساختار این سازه‌ها همواره تمهیداتی برای ایجاد توازن رطوبت اتخاذ شده است؛ این موضوع منحصربه به سی‌وسه‌پل یا سایر پل‌های دوره صفوی نیست و در پل‌سازی دوران پیش‌ازاسلام نیز دیده می‌شود. علاوهبراین، مناطق دیگری همچون نوش‌آباد کاشان (شهر زیرزمینی تاریخی نوش‌آباد)، ورلین، یزد و خراسان نیز درگیر با فرونشست زمین است و برخی از آثار ثبت‌شده در میراث جهانی از قبیل قنات‌های گناباد در معرض تخریب قرار دارد.

از منظر باستان‌شناسی، پدیده فرونشست زمین شامل تخریب تدریجی و فیزیکی آثار معماری و همچنین، به ظهور ترک ناشی از فشارهای جانبی خاک نشست‌کرده در دیوارها و سازه‌ها و نهایتاً ریزش و تخریب آثار تاریخی منجر می‌شود. علاوهبراین، فرونشست زمین بهطور مستقیم روی آثار تاریخی و باستانی زیر زمین از جمله قنات‌ها و شهرهای زیرزمینی تأثیر دارد و افزایش تراکم خاک نیز منجر به فشرده شدن لایه‌ها و تخریب آثار حفاری‌نشده و دشوار شدن کاوش در این مناطق می‌شود. در کنار این موضوع، فرونشست زمین بدلیل نفوذ آب‌های شور به بستر خشک‌شده باعث شورشدن خاک و ایجاد محیطی نامناسب برای آثار باستانی می‌شود.

امروزه تخت‌جمشید با نشست جدی و ایجاد ترک در آثار هخامنشی مواجه شده و این نشست به‌وضوح در محوطه قتش‌رستم نیز دیده می‌شود. اگرچه این موارد با کتمان مسئولان مواجه شده و حتی در سال‌های قبل برخی مدیران برای پاک کردن صورت‌مسئله اقدام به پر کردن ترک‌های مجاور نقش‌برجسته‌های ساسانی و مقابر

داده‌ها (به‌صورت تداخلی)، می‌توان تغییرات بسیار کوچک در سطح زمین را در حد میلی‌متر اندازه‌گیری کرد.

شهر ونیز در ایتالیا نیز به‌طور هم‌زمان با چالش فرونشست زمین همراه با بالا آمدن سطح دریا مواجه شده است. راهکار مدیران ایتالیایی برای حل این بحران، پروژه MOSE محسوب می‌شود که طی آن سدهای متحرکی برای محافظت از شهر ایجاد شده است و در کنار آن، با تزریق آب به لایه‌های زیرزمینی، سعی در جایگزینی آب‌های برداشت‌شده از منابع آب زیرزمینی دارند.

دره مرکزی کالیفرنیا در ایالات متحده نیز با شرایطی مشابه ایران مواجه است و بدلیل برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی برای مصارف کشاورزی، دچار فرونشست شده است. مقامات ایالات متحده برای مواجه‌شدن با این مشکل ابتدا به اصلاح قوانین از طریق اجرای قانون موسوم به مدیریت پایدار آب‌های زیرزمینی (SGMA) پرداخته و سپس با استفاده از روش‌های آبخوان‌داری و تغذیه مصنوعی سفره‌های آب زیرزمینی در تلاش برای ترمیم آسیب‌های وارده به این حوزه هستند.

نکات راحل‌های قابل‌اجرا در ایران

شرایط در ایران اما کمی پیچیده‌تر است، بدلیل عدم تمرکز تصمیم‌گیری در نهادهای قانونی و دولتی و همچنین نیازمندی به هماهنگی بین‌دستگاهی، به‌رغم بروکراسی پیچیده و کند، شاهد بحرانی جدی در این زمینه هستیم که حل آن نیازمند عزمی ملی و تلاش دولت، مجلس و همراهی مردم است.

برای مقابله با فرونشست زمین در ایران، ابتدا و به‌طور اضطراری باید اقدامات فوری و کوتاه‌مدتی از جمله مدیریت منابع آب شامل انسداد چاه‌های غیرمجاز، اجرای طرح تعادل‌بخشی سفره‌های آب زیرزمینی و ترویج آبیاری قطره‌ای را در دستورکار قرار داد. درعین‌حال، باید با بهره‌برداری از فناوری‌های نوین همچون استفاده از فناوری InSAR و ژئورادار، تصویر دقیقی از شرایط فعلی ترسیم و در کوتاه‌ترین زمان ممکن باید نسبت به طراحی سامانه هشدار سریع در مناطق باستانی اقدام کرد.

در این مرحله، متخصصان مرمت و تیم‌های زنده باستان‌شناسی باید ضمن شناسایی آثار آسیب‌دیده و در معرض خطر، برای مرمت و تثبیت آثار تاریخی اقدام کنند و مطالعات ژئوتکنیکی برای پی‌سازی مجدد و استفاده از ژئوستنتیک‌ها، خظرات فوری‌ای که آثار تاریخی را تهدید می‌کنند، برطرف‌کنند.

به‌موازات این اقدامات، باید راهکارهای بلندمدت نیز اندیشیده شود و وظایف نهادهای مختلف به‌طور شفاف تبیین شود و مجلس شورای اسلامی نسبت به تدوین قانون جامع آب‌های زیرزمینی و تخصیص بودجه برای پایش فرونشست اقدام کند. در بدنه دولت نیز وزارت نیرو با توسعه سیاست آبخوان‌داری و مدیریت هوشمند منابع زیرزمینی به وزارت جهادکشاورزی در اصلاح الگوی کشت و تسهیلات برای تجهیز اراضی به آبیاری نوین کمک کند. هم‌زمان با این رویکرد، وزارت راموشهرسازی باید نسبت به توقف ساخت‌وساز در مناطق بحرانی و تقشه‌برداری مداوم نشست زمین اقدام کند و وزارت میراث‌فرهنگی نیز براساس وظیفه ذاتی خود برای پایش مستمر آثار، تدوین نقشه خطر فرونشست و مرمت آثار آسیب‌دیده تلاش کند.

در این میان، تشکیل ستاد بحران فرونشست در استان‌های مختلف و آموزش عمومی و اطلاع‌رسانی دقیق، دارای اهمیت بسیار زیادی است.

در خاتمه باید تأکید کرد که فرونشست زمین خطری بی‌صدا، ولی پرتاگر است که آینده شهرها، کشاورزی، اقتصاد و هویت تاریخی ما را تهدید می‌کند. اگر امروز برای مواجهه با آن اقدامی نکنیم، فردا شاید خیلی دیر باشد. همان‌گونه‌که طی سال‌های اخیر و با خشک‌شدن زاینده‌رود، زوال تدریجی در پایه‌های سی‌وسه‌پل را شاهد بودیم، باید بدانیم که این پدیده در گوشه‌وکنار سرزمین باستانی ایران ریشه دوانده و خاک زیرپایمان هرروز فروری‌ود؛ بی آنکه برای پند بلند شود. سیاست‌گذاران، پژوهشگران، مرمتگران و مردم، همگی باید درک کنند که فرونشست فقط مسئله‌ای زمین‌شناختی نیست و مسئله‌ای اجتماعی، فرهنگی و ملی است که مقابله با آن، نیازمند اتحاد، دانش و جسارت در تصمیم‌گیری است.

خبر

انتقاد شدید یک نماینده مجلس از مدیریت بحران آب

عضو هیئت‌رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس با انتقاد از مدیریت آب در کشور گفت: «بیش از یک دهه است که کشور با بحران آب مواجه است و امسال به پایتخت رسیده است. لذا این‌گونه تصور نشده که کشور تازه امسال وارد بحران شده است؛ متأسفانه تا وقتی که خیلی از مشکلات به پایتخت نرسد، دولتمردان و تصمیم‌گیران آن را جدی نمی‌گیرند.»
«حامد یزدانی» یکی از دلایل بحران آب، ساختارهای تصمیم‌گیری در حوزه آب دانست و گفت: «ساختار منسجم مبتنی‌بر مزج‌ای حوزه‌های آبریز کشور در چند سال گذشته از دست رفته که خیلی از اتفاقات این روزها به‌دلیل عدم تمرکز بر ساختار مدیریت آبی است. از سال ۱۳۸۴ ساختار مدیریت آبی در کشور به‌هم ریخت و مدیریت آب، استانی شد. نتیجه اینکه مصارف و توسعه‌ها در بالادست حوزه‌های آبریز بیش‌ازحد رشد کرد و آب کمتری به مخازن سدها و مناطق پایین‌دست حوزه‌های آبریز رسید. لذا امروز شاهد اتفاقاتی در حوزه‌های مختلف کشور اعم از شمال‌غرب، دریاچه ارومیه، زاینده‌رود، سدهای تهران و خوزستان هستیم. این بمعنای رخ دادن اتفاقاتی در بالادست حوزه آبریز و بحران در پایین دست است.»
این نماینده مجلس با اشاره به تأثیر تغییراقلیم در کشور گفت: «تغییراقلیم از کشور باعث کاهش و تغییر رزم بارش‌ها شده است؛ بارندگی‌ها در زمستان و پاییز به‌سخت رویدادهای حدی یعنی خشکسالی‌ها، سیل‌ها و امواج شدید گرمایی رفته که باید متناسب با این تغییرات، مدیریت و نگاه به منابع آبی و مصارف تغییر پیدا می‌کرد، اما متأسفانه این اتفاق در کشور ما رخ نداد. هنوز نوع کشت‌ها در کشور متناسب با شرایط قبل است درصورتی‌که باید نگاه ما به کشاورزی، متناسب با شرایط اقلیمی تغییر پیدا کند.»
ایسنه

<div><div> </div>نوبت دوم</div>		<div><div> </div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور</div>
<div><div> </div>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان</div>		
<div><div> </div>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ری شماره ۱۰۰۰۴۶۸۲-۱۰۰۰۳۳۹۰-۱۰۰۰۲۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای / خانم شهریان شاکهویی فرزند علی اکبرپیشه‌شماره ۷ در شه‌داگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۵۷/۵۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۴۴۲ فرعی از ۳۳ اصلی واقع درمغان بخش ۰۲ شاهرود خریداری از ولی اهل علا حسینی مرز گردیده است.</div>		
<div><div> </div>لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضی خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند اینست در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</div>		
<div><div> </div>تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ – تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۶</div>		
<div><div> </div>حمیدرضا حسین پور – رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان شاهرود</div>		
<div><div> </div>از طرف: محمدعلی پارمحمدی شناسه آگهی: ۱۹۷۶۳۰۲</div>		

<div><div> </div>نوبت دوم</div>		<div><div> </div>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور و املاک اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان</div>
<div><div> </div>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ری شماره ۱۰۰۰۵۷۹۹-۱۰۰۰۳۳۹۰-۱۰۰۰۲۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم حسن شهبانی فرزند صفرعلی بشماره شناسنامه ۵۹ در شه‌داگ یک قطعه باغ به مساحت۶۶- ۷۷۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۳۲ فرعی از ۳۳ اصلی واقع در مغان بخش ۰۲ شاهرود خریداری از ورته یزدانی مرز گردیده است.</div>		
<div><div> </div>لذا بهمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیسی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد</div>		
<div><div> </div>تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ – تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۶</div>		
<div><div> </div>حمید رضا حسین پور – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شاهرود</div>		
<div><div> </div>از طرف: محمد علی پارمحمدی شناسه آگهی: ۱۹۷۶۳۱۰</div>		



آگهی مزایده عمومی نوبت دوم

شهرداری ارومیه در نظر دارد به استناد ماده ۳۰ آیین‌نامه معاملاتی شهرداری نسبت به برگزاری مزایده عمومی به شرح ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir اقدام نماید از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید در مزایده ذیل به شرح مشخصات اعلامی در این آگهی شرکت و ارائه قیمت نمایند. لازم بذکر است. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت مزایده گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد؛ لذا لازم است مزایده گران در صورت عدم ضمیمت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

لازم به ذکر می‌باشد شرکت‌کنندگان محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به سایت شهرداری ارومیه به آدرس www.urmia.ir مراجعه نمایند.

۱- موضوع مزایده عبارت است از:

۱- واگذاری سرفقلی تعداد ۸ باب مغازه و یک باب رستوران و کافی‌شاپ واقع در خیابان شهرک فرهنگیان، جنب خیابان سبحان، پلاک ۴۸۱ پاساژ میر برابر آگهی مزایده

۲- مبلغ کل مزایده: برابر آگهی مزایده

۳- مدت قرارداد:-----

۴-تاریخ دریافت اسناد مزایده: از ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ تا ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ در بستر سامانه ستاد به آدرس: www.setadirn.ir اقدام نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

آیدین رحمانی – شهردار ارومیه

«پیام ما» آخرین وضعیت پسماندسوزها و احتمال تولید گازهای آلاینده را در گفت‌وگو با مدیرکل دفتر مدیریت پسماند سازمان حفاظت محیط‌زیست بررسی می‌کند

آینده مسموم



افروغ فکری | روزنامه‌نگار

اولیل مردادماه که استاندار گیلان از پروژه مدیریت پسماند روستای لسکوکلایه از توابع کیشهر بازدید کرد و یک دستگاه زباله‌سوز کوچک‌مقیاس افتتاح شد، موافقان این طرح، آن را راهی برای همراهی با فناوری و مدیریت پسماند دانستند و مخالفان نیز بی‌ضابطه بودن و تولید گازهای سمی ناشی از سوزاندن زباله در این دستگاه‌ها را از جمله دلایل نگرانی‌ها برای آینده آن عنوان کردند. بعد از این بازدید استاندار گفت این طرح می‌تواند برای ۱۱۳ روستای گیلان عملی شود و این گفته بار نگرانی را بیشتر کرد، آن‌هم برای وسیله‌ای که به‌گفته «مهدی خادم‌ثانی»، مدیرکل دفتر مدیریت پسماند سازمان حفاظت محیط‌زیست، صرفاً مجوزی موقت از اداره‌کل محیط‌زیست استان گیلان دارد و باید وضعیتش در آینده بررسی شود. او در گفت‌وگو با «پیام ما» به وضعیت زباله‌سوزهای بزرگ‌مقیاس اشاره کرد و در نهایت زباله‌سوزی را آخرین گزینه مدیریت پسماند دانست و عملکرد وزارت کشور و زیرمجموعه‌هایش یعنی شهرداری‌ها، بخشدارها و دهیارها را در مدیریت پسماند کشورهای کشور ضعیف توصیف کرد؛ مدیریتی که در نبود اعمال قانون و برخورد ضعیف با اشتباهات این مجموعه، خود را بیش‌ازپیش نشان داده است.

توان تولید انرژی را ندارند و از سوی دیگر، مصرف‌کننده انرژی و سوخت‌های فسیلی هستند؛ آن‌هم در این شرایط ناترازی انرژی. این موارد فنی نیازمند دقت بالایی در اجرایی کردن چنین طرح‌هایی است. **استاندارگی گیلان گفته ۱۱۳ روستای گیلان امکان استفاده از این پسماندسوزها را خواهند داشت، آیا این پسماندسوزها بی‌بوسه سلامت دارند؟** اگر احتراق در اتاقک پسماندسوزها به‌درستی انجام نشود و اکسیژن به‌میزان بیشتر وارد شود، گازهای آلاینده بسیار خطرناکی تولید می‌کنند که کنترل آنها در انتهای سیستم و خروجی بسیار مشکل خواهد بود. خروجی پسماندسوزها برای منابع زیستی آب

بین‌المللی است. یعنی پسماندی که قابلیت بازیافت ندارد، در زباله‌سوزها تبدیل به انرژی برق می‌شود. اما زباله‌سوز نباید سرمایه‌سوز شود. سوزاندن پسماند آلی می‌تواند تبدیل به کمپوست شود و یا پسماندهایی که امکان بازیافت دارند، آن‌هم بدون تولید انرژی برق، سرمایه‌سوزی است. این وضعیت با الزامات محیط‌زیستی ملی و بین‌المللی مغایرت دارد و ما هم با آن مخالفیم. **پسماندسوزهای فعلی توان تولید انرژی هم دارند؟** از پسماندسوزها می‌توان تولید انرژی برق کرد، اما ماجرا این است که پسماندسوزهای کوچک‌مقیاس

در هفته‌های اخیر صحبت از راه‌اندازی پسماندسوزهای کوچک‌مقیاس برای حل مشکل پسماند در روستاهای گیلان به میان آمده، نظر شما درباره آنها چیست؟ اخیراً در جلسه معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری موضوع زباله‌سوزهای کوچک‌مقیاس به بحث گذاشته شد، زباله‌سوزهای استاندارد یکی از گزینه‌های مدیریت پسماند، اما آخرین گزینه است. گزینه‌های مهم و حائز اهمیت تولید زباله حداقل، تفکیک در مبدأ، بازیافت هستند و آخرین مرحله می‌تواند دفن و یا زباله‌سوزی باشد. منظور از زباله‌سوزی نیز ریجکت‌سوزی مطابق با استانداردهای ملی و

کنند. ما در گام بعدی به‌صورت دائم این دستگاه‌ها را در دستگاه‌های دیگر را رصد خواهیم کرد. **آیا در جریان ساخت این زباله‌سوزهای کوچک‌مقیاس هستید؟ می‌دانید در داخل تولید می‌شوند یا خارج و هزینه تولیدشان چه میزان است؟**

خیر. اینکه از اینکه یکسری قطعات وارداتی باشند یا کل آن را در داخل تولید می‌کنند، اطلاعی نداریم و در حوزه اختیارات ما نیست.

ما تجربه پسماندسوزهای بزرگ‌مقیاس در شهرهای نوشهر، ساری، تهران و حتی رشت را داریم که به‌درستی فعال و یا راه‌اندازی نشده‌اند. این پسماندسوزها مشکلات محیط‌زیستی بسیاری دارند که مردم منطقه را کلافه کرده، چرا مدیریت در زباله‌سوزی با چنین مشکلاتی روبه‌روست؟

بله، در تهران زباله‌سوز ۲۰۰ تنی داریم که تاکنون عملکرد خوبی نداشته. در ساری و نوشهر هم ۲۰۰ و ۴۵۰ تنی داریم که اینها هم راندمان و عملکرد خوبی نداشته‌اند. در رشت هم که پسماندسوز ۶۰۰ تنی داریم که به نتیجه نرسیده است. متأسفانه تاکنون در این زمینه عملکرد خوبی از شهرداری‌ها ندیده‌ایم و حرفمان این است که شهرداری‌ها هزینه بسیار زیادی که می‌خواهند برای خرید و احداث زباله‌سوز بگذارند، در بخش‌های دیگر مدیریت پسماند از جمله تفکیک در مبدأ، پردازش و کمپوست هزینه کنند، بهتر است. شهرداری‌ها با جدیت به مسئله تفکیک از مبدأ، پردازش و کود کمپوست وارد شوند و به‌این‌ترتیب، هزینه کمتری هم متحمل خواهند شد. نکته مهم‌تر درباره دستگاه‌های پسماندسوز، هزینه‌های نگهداری آنهاست. این تجهیزات بعد از چند سال مستهلک می‌شوند و آیا فکری برای آن دوران شده؟ آن زمان ما قرار است با انبوهی دستگاه خراب روبه‌رو باشیم؟

بنابراین به‌صورت کلی راه‌اندازی زباله‌سوزها را پرمشکل می‌دانید یا نظارت بر آن را؟ اگر با همین روند فعلی پیش برویم، مشکلات بسیاری خواهیم داشت؛ اما اگر استاندارد خروجی عملیاتی شود، وضعیت متفاوت خواهد بود. هرچند همین هم در حال سوزاندن سرمایه است و با استفاده از گاز، سرمایه دیگری را هم هدر می‌دهد و این خسارت‌ها جای بررسی دارد. اما تاکنون متأسفانه مجموعه وزارت کشور، در حوزه مدیریت پسماند شهری و روستای در اکثر مناطق کشور عملکرد خوبی نداشته است.

سازمان با توجه به عملکرد نامطلوب وزارت کشور به‌عنوان ناظر چه برنامه‌ای برای آینده دارد؟ آن‌هم در شرایطی که هر روز بحران عمیق‌تر از روز گذشته می‌شود. قانون مدیریت پسماند در سال ۱۳۸۳ ابلاغ شده است، اما متأسفانه این قانون ضمانت اجرایی مکفی ندارد. از اوایل دهه ۹۰ خواهان اصلاح این قانون و بهبود ضمانت اجرایی در آن بودیم، اما امکان‌پذیر نشد. از سال ۱۴۰۰ هم از طریق مرکز پژوهش‌های مجلس پیگیر اصلاح قانون مدیریت پسماند بودیم که خوشبختانه تأییدیه‌های ابتدایی از مجلس دریافت شده است، اما ما به‌عنوان دستگاه نظارتی متخلفان را به دستگاه قضائی معرفی می‌کنیم که در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، حدود چند هزار اخطار در حوزه مدیریت پسماند شهری و روستایی داشتیم و بیش از ۸۰۰ پرونده حقوقی که تنها حدود ۲۰ درصد آنها منجر به حکم شده است. در نهایت هم در احکام صادره جرم و جزا با همدیگر همخوانی نداشته است، ما وظایف سازمانی خود را انجام می‌دهیم و متخلفان را به مراجع قضائی معرفی می‌کنیم و امیدواریم ابزارهای بازدارندگی قانون در آینده نزدیک افزایش یابد.

تر و آلی است و توانایی تبدیل به کمپوست را دارند و این کار می‌تواند با هزینه حداقلی انجام شود، اما شهرداران از این موضوع فاصله می‌گیرند و به‌دنبال پروژه‌های پرهزینه هستند؛ آن‌هم در روستاهایی که با کشاورزی درگیرند و نیاز به کمپوست دارند.

در سال‌های اخیر و بعد از ماجرای سراوان، به دهیاران گفتند زباله را به سراوان نبرید و زباله‌ها را اطراف روستا سوزانند که این کار از نظر سازمان هم جرم است. در این شرایط دهیاران چه کاری از دستشان برمی‌آید؟

در ماده ۷ قانون مدیریت پسماند به‌صراحت اعلام شده که مدیریت اجرایی پسماندهای شهری و روستایی برعهده مجموعه وزارت کشور است که شامل شهرداری، بخشداری و دهیاری می‌شود. اینکه دهیاران یا بخشداران می‌گویند نمی‌دانند یا پسماندها چه کنند، جای تعجب دارد؟ فردی که مدیریت اجرایی پسماند عادی شهری و روستایی را نمی‌داند، چطور این سمت را پذیرفته؟ مدیریت اجرایی فقط جمع‌آوری پسماند نیست، بلکه این کار از زمان تولید تا دفع نهایی شامل می‌شود. چرا یک بخشدار و دهیار باید زباله‌ها را در هوای آزاد و بدون شرایط استاندارد بسوزاند که طبق قوانین محیط‌زیستی جرم است؟ اگر از پسماندسوزهایی که هنوز نتیجه خروجی آنها به محیط نامعلوم است، استفاده شود و مردم محلی منطقه دچار انواع بیماری‌ها شوند، کدام نهاد پاسخگو خواهد بود؟

راهکارها در چه می‌دانید؟ تاکنون اقدامات پایداری که در ابتدا به آنها اشاره کردم، عملیاتی نشده و بحران هر روز به‌شکلی خود را نشان می‌دهد. قانون مدیریت پسماند و آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۸۴ وزارت کشور را ملزم به تفکیک پسماند از مبدأ کرده است. اگر عملیات تفکیک در مبدأ به‌درستی انجام می‌شد، میزان پسماندهای ورودی به مراکز دفن کاهش چشم‌گیری داشت. هیچ کشوری نتوانسته در مدیریت پسماند موفق عمل کند، مگر با مدیریت پسماند از مبدأ. اما شهردارها، دهیارها و... تمایل ندارند به این حوزه وارد شوند و به‌دنبال راه‌های ساده‌تری مانند پسماندسوزی هستند. بازیافت صحیح یک حوزه محیط‌زیستی و اشتغال‌زاست و آلودگی حداقلی به محیط‌زیست وارد می‌کند. تولید کمپوست بسیار حائز اهمیت است که متأسفانه مغفول مانده و در بحث پسماندسازی ریجکتی هم صنایع سیمان می‌توانند با توجه به

ناترازی انرژی به‌راحتی از پسماند ریجکتی RDF به‌عنوان سوخت استفاده کنند که گویا همه این راهکارها کنار گذاشته شده و صحبت از پسماندسوزهای کوچک‌مقیاس به میان آمده.

برگردیم به زباله‌سوزی که در گیلان راه افتاده، نظارت سازمان محیط‌زیست بر آن به چه صورت است؟ اگر شرایط پسماندسوزهای کوچک‌مقیاس با قوانین و مقررات و استانداردهای سازمان حفاظت محیط‌زیست مطابقت داشته باشد، اجازه فعالیت پیدا می‌کنند. خروجی تمامی صنایع از جمله زباله‌سوزها به‌صورت فصلی توسط همکاران سازمان حفاظت محیط‌زیست طبق یک برنامه زمان‌بندی پایش می‌شوند و اگر استانداردها توسط صنعت رعایت نشود، اقدام حقوقی صورت می‌گیرد. پسماندسوزهای کوچک‌مقیاس هم برنامه زمان‌بندی پایش دارند که براساس آن پایش‌ها انجام شده و در صورت موافقت اداره‌کل محیط‌زیست استان مجوز صادر می‌شود. اینکه طرفداران زباله‌سوزی ادعاهایی دارند و می‌گویند در ابتدای کار مشکل‌زاست، سازمان ملی استاندارد و وزارت صنعت معدن و تجارت باید به این موارد رسیدگی

و خاک بسیار خطرناک و نیازمند مدیریت خاص است. همچنین پسماندسوزها باید پیوست سلامت داشته باشند و ضوابط استقرار آنها مورد بررسی قرار گیرد. قبل از راه‌اندازی انبوه پسماندسوزهای کوچک‌مقیاس همه این موارد باید بررسی فنی و علمی متقن و دقیق شوند.

موافقان این کار می‌گویند باید از فناوری‌ها استفاده کرد و شرایط بحرانی استان هم با کارهای دیگر به نتیجه نرسیده است. نگاه شما به این مورد چیست؟ ما به‌دنبال راهکارهای پایدار هستیم. حدود ۷۰ درصد پسماند تولیدی در استان‌های شمالی پسماند

بررسی مشکل خشک شدن برخی درختان ارومیه

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار آذربایجان‌غربی گفت: بررسی دلایل خشک شدن درختان برخی از خیابان‌های ارومیه از جمله خیابان شهید بهشتی (دانشکده) در دست‌وکار است و اقدامات لازم در این باره به‌طور کامل انجام می‌شود. «یاسر رهبردین» افزود: این بررسی‌ها به‌صورت جامع انجام می‌شود تا علت خشک شدن این درختان روشن شود. او با اشاره به اینکه آب کافی برای آبیاری این درختان اختصاص یافته است، اضافه کرد: علت اصلی خشک شدن این درختان نیز در حال بررسی قرار دارد و مسئله کمبود آب برای آبیاری پذیرفتنی نخواهد بود. «نقی کریمی»، سخنگوی شورای اسلامی شهر ارومیه، نیز بیان کرد: پیگیری‌های لازم درباره علت خشک شدن این درختان در دست انجام است. خشک شدن درختان ۸۰ساله چنار در خیابان شهید بهشتی ارومیه و برخی دیگر از نقاط ارومیه بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشته است. درختان کهنسال از جمله ثروت‌های شهری به‌شمار می‌روند که عدم توجه به سلامت آنها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای شهرها داشته باشد. | ایرنا

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

همراه با ارزیابی کیفی

شركت آب و فاضلاب سيستان و بلوچستان

(۱) نام دستگاه مناقصه‌گذار: شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان
 (۲) نوع مناقصه: یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی
 (۳) موضوع مناقصه: خرید یک دستگاه ترانسفورماتور ۳۰ مگاوا
 (۴) دستگاه نظارت: معاونت بهره‌برداری و توسعه آب
 (۵) مدت‌زمان تحویل: حداکثر زمان تحویل تجهیزات ۶ ماه پس از تاریخ ابلاغ قرارداد و در شهر زاهدان می‌باشد.
 (۶) مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (بیست میلیارد) ریال به‌عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار که می‌بایست به‌صورت فیش واریز وجه به‌حساب نسیم ۴۰۰۱۱۱۴۲۰۷۱۴۴۷۸۳ نزد بانک مرکزی بنام تمرکز وجوه سپرده (بودجه عمومی) شرکت آب‌وفاضلاب سیستان و بلوچستان و یا ضمانتنامه بانکی با اعتبار حداقل سه ماه قابل تمدید، بدون هیچگونه قیدوشرط که ضمن بارگذاری تصویر آن در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار را به دستگاه مناقصه‌گذار تحویل نمایند.
 ۷- تاریخ و مهلت تهیه و تحویل اسناد مناقصه: مهلت تهیه اسناد ارزیابی مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ می‌باشد. آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه و ارزیابی ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ می‌باشد. تاریخ ارزیابی کیفی ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ می‌باشد تاریخ برگزاری مناقصه ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ می‌باشد تولیدکنندگان و تامین کنندگان دارای مجوز فعالیت می‌توانند با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با پرداخت مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ (پنج میلیون) ریال اسناد مناقصه را دریافت و با توجه به مندرجات اسناد مناقصه مدارک لازم شامل پاکت (الف)، (ب) و (ج) و ارزیابی کیفی را تهیه و بصورت فایل‌های pdf در سامانه فوق بارگذاری نمایند.
 آدرس وسپایت: www.abfasp.ir
 تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

دفتر قراردادها- شرکت آب‌وفاضلاب استان سیستان و بلوچستان

نوبت اول

آگهی مزایده عمومی

شهرداری رفسنجان

شهرداری رفسنجان در نظر دارد براساس مصوبه شماره ۳۰۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۷ شورای محترم اسلامی شهر نسبت به فروش ۵ دستگاه انویس فرسوده بنر ۳۵۵ از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید؛ لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که توانایی لازم جهت شرکت در مزایده را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مزایده به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ستاد مراجعه نمایند.
 مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بارگذاری آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری پاکت تلفن تماس ۰۳۴-۳۴۲۵۸۸۰۱-۳۴ تلفن‌های تماس: ۰۳۴-۳۴۲۵۸۷۰۱-۳۴
 اداره ارتباطات و اموربین الملل شهرداری رفسنجان

نوبت دوم

مزایده شماره ۱۴۰۴/۲

بانک ملی ایران در نظر دارد تعداد ۸ دستگاه انواع خودروهای قابل شماره‌گذاری خود را با جزئیات مندرج در اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی: www.Setadiran.ir بخش مزایده- مزایده دستگاه‌های اجرایی- مزایده‌گر (تحت شماره ۱۰۰۴۰۰۱۵۶۰۰۰۰۰۰۰۰ اموال منقول مزایده) طی زمان‌بندی به شرح زیر به فروش برساند.

- انتشار اسناد در سامانه: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ ساعت ۸
- مهلت دریافت اسناد: تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ ساعت ۱۲
- مهلت بازدید: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ تا ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ ساعت ۸ تا ۱۲
- مهلت ارسال پیشنهاد: تا روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۳ ساعت ۱۲
- زمان گشایش پیشنهادات: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ ساعت ۸:۳۰ صبح

توجه: امکان شرکت در مزایده بدون دریافت اسناد میسر نمی‌باشد لذا متقاضیان می‌بایست تا قبل از اتمام تاریخ مهلت دریافت اسناد (ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳) نسبت به دریافت آن‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.

ششاسه آگهی: ۱۹۸۲۹۳۳ - م الف: ۱۸۲۲

بانک ملی ایران



پرونده گازکشی در بازار جهانی تبریز همچنان باز مانده است

پرونده گازکشی در بازار جهانی تبریز همچنان باز مانده است

لوله‌های گاز یا بمب ساعتی؟

ایپام ما! تأمین ایمنی و انرژی در بناها و مجموعه‌های تاریخی، دو مسئله‌ای هستند که گاه در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در ضوابط حفاظتی بناها و مجموعه‌های تاریخی و موزه‌ها ذکرشده، ورود هرگونه مواد و تجهیزات قابل انفجار و اشتعال به موزه‌ها و بناهای تاریخی ممنوع است. این مسئله در برخی بناها و مجموعه‌های تاریخی وسیع تبدیل به چالشی جدی شده و دوراهی مطالبه ذی‌نفعان و ضوابط حفاظت را ایجاد کرده است. جنجالی‌ترین مورد مربوط به بازار جهانی تبریز است که به‌عنوان بزرگترین بازار سرپوشیده دنیا شناخته می‌شود و درعین حال، ذی‌نفعان بسیاری دارد که سال‌هاست موضوع گازرسانی به واحدهای تجاری آن را به‌عنوان مطالبه‌ای جدی مصرانه پیگیری می‌کنند. با اینکه راه‌های جایگزین دیگری نیز برای تأمین انرژی و حل مسئله گرمایش این مجموعه ارزشمند وجود دارد، اما عمر اصرار بر اجرای پروژه گازکشی به این مجموعه به بیش از دو دهه رسیده و چندان اطمینانی به راهکارهای جایگزین در این مجموعه نشده است. البته به‌گفته «ناصر زواری»، مدیر پایگاه میراث جهانی تبریز، همه واحدهای تجاری این مجموعه خواهان گازکشی نیستند و برخی واحدها که اغلب تغییر کاربری داده‌اند و از واحد صنفی خود استفاده صنعتی یا با پذیرایی دارند، اصرار بر اجرای پروژه گازکشی دارند که البته اگر همین واحدها را که حدود یک‌سوم بازار هستند، در نظر بگیریم، شامل حدود دو هزار واحد صنفی می‌شود.

مشکل گازکشی در بازار تاریخی تبریز بیش از دو دهه است که محل بحث میان بازاریان و میراث‌فرهنگی است. پیش از ثبت جهانی این مجموعه برخی واحدها بدون استعلام از میراث‌فرهنگی اقدام به گازکشی کرده بودند و هنوز هم این

انشعاب را دارند و یا مساجد داخل بازار موزه‌خانه‌هایی دارند که به گاز شهری متصل است. اما مسئله‌ای که در سال‌های اخیر منجر به بروز چالش‌هایی شده، آن واحدهایی هستند که با تغییر کاربری -طاسازی،

رستوران، چایخانه، سفره‌خانه- و یا اعمال تغییراتی در معماری واحد صنفی مانند بلندتر کردن سقف و دوطبقه کردن حجره، برای اداره کسب‌وکارشان نیاز به اتصال به گاز شهری دارند.

مواجهه میراث‌فرهنگی با این مطالبه در مواردی همراهی با کسبه بوده و در مواردی یادآوری اصول حفاظت آثار تاریخی. اسفند ۱۴۰۲ و حدود یک سال پس از سفر «عزت‌الله ضرغامی»، وزیر وقت میراث‌فرهنگی، به تبریز اعلام شد به‌رغم مخالفت‌ها درباره گازرسانی به بازار جهانی تبریز، عملیات لوله‌کشی از بام بازار تاریخی با حضور امام‌جمعه شهر آغاز شد. این پروژه به دلایلی خیلی زود متوقف شد. به گفته مدیر پایگاه میراث جهانی بازار تبریز کارشناسان به این نتیجه رسیدند که این اقدام می‌تواند برای این مجموعه تاریخی خطر آفرین باشد.

«ناصر زواری» مدیر پایگاه میراث جهانی تبریز در گفت‌وگو با «ایپام ما» درباره اینکه آخرین اقدام در مورد مطالبه گازرسانی به این مجموعه چه بوده، می‌گوید: «ما حدود دو ماه پیش نامه‌ای خطاب به قائم‌مقام وزیر ارسال کردیم تا نظرات کارشناسی وزارتخانه در این خصوص اعلام کنند. نامه به مدیریت امور پایگاهها ارجاع داده شده است و کارشناسان در حال بررسی موارد مطروحه هستند. استاندارد هم در مکاتباتی با وزیر میراث فرهنگی مسئله بازار تاریخی تبریز را مطرح کرده‌اند تا با توجه به نزدیکی فصل سرما تکلیف این پروژه روشن شود.»

آلتزاتیوهای ناموجود یا نامحبوب؟

آیا نمی‌توان انرژی و ایمنی را هم‌زمان در بازار تاریخی تبریز تأمین کرد؟ برخی منتقدان معتقدند تبدیل برخی واحدهای تجاری این مجموعه به رستوران و مرکز پذیرایی به این خواسته کسبه دامن زده است؛ زواری در مورد این مسئله می‌گوید: «برخی واحدهای صنفی بازار تغییر کاربری داده‌اند و یا بخش‌های کوچک بازار را تبدیل به چایخانه یا رستوران کرده‌اند و همین مسئله باعث بروز مشکلاتی شده است. مسئله بازار تبریز صرفاً تأمین گرمایش نیست، بازاریان سال‌ها بدون گاز شهری کسب‌وکارشان را در همین بازار داشته‌اند. بسیاری از کسانی که اصرار بر موضوع گازرسانی دارند، همین واحدهایی هستند که اغلب بدون مجوز ما فعالیت دارند. مجوزی که معاونت گردشگری استان به آنها می‌دهد، مجوز واحد پذیرایی با این شرط است که پخت‌وپز خارج از بازار انجام شود، اما برخی واحدها این موضوع را رعایت نمی‌کنند.» به گفته زواری، بسیاری از واحدهای صنفی سنتی مثل فرش‌فروشی‌ها و پارچه‌فروشی‌ها و تولیدکنندگان چرم مخالف ورود گاز به بازار هستند، چراکه سرمایه خود را در خطر می‌بینند. او می‌گوید: «این واحدها می‌توانند با یک هیتر یا واپور در زمستان گرمایش واحد خود را تأمین کنند، سرمایه‌اش در تایستان هم در معماری بازار دیده شده و بازار در فصول گرم چند درجه خنک‌تر از خیابان است و نیاز به اسمیلت ندارد. اما الان اسمیلتها فضای حجره را خنک می‌کند و فضای عمومی بازار را گرم، نصب آنها هم که به منظر بازار آسیب می‌زند.»

چراکه گرمایش این مجموعه را می‌توان با شیوه‌های جایگزین و ایمن تأمین کرد. از طرفی برخی عنوان می‌کنند برای یکی از مشهورترین بخش‌های این بازار که سرای امیر است، موتورخانه‌ای برای حل مشکل گرمایش تأمین شده، اما چندان مورد استقبال کسبه قرار نگرفته است. زواری درباره راهکارهای جایگزین گازکشی برای حل مسئله گرمایش در بازار تبریز می‌گوید: «بهترین گزینه برای تأمین گرمایش بازار تبریز طبق طرح مطالعاتی انجام‌شده استفاده از انرژی برق و اصلاح سیستم‌های برق رسانی است که متأسفانه این موضوع با مخالفت بازاریان به‌بهانه هزینه‌بر بودن مواجه شده است. چون گاز ارزان است، کسبه مایل‌اند که گازکشی انجام شود. درحالی‌که این مسئله علاوه‌بر به خطر انداختن ایمنی بازار موجب اتلاف انرژی می‌شود؛ زیرا بسیاری از واحدها بهترین ندارند و بخاری هم در واحد صنفی نمی‌گذارند، بلکه از اجاق خوراک‌پزی برای تأمین گرمایش استفاده می‌کنند. برخی کسبه می‌گویند برای بازار تبریز یارانه انرژی در نظر بگیرند تا در فصول سرد ما از ابزارهای برقی -مثل اسپیلت- برای تأمین گرمایش استفاده کنیم.» او درباره خطرات ورود لوله‌های گاز به این بازار گفته است: «کارشناسان سازمان آتش‌نشانی اذعان کردند که امکان و تجهیزات لازم برای امداد رسانی در مجموعه تاریخی و سرپوشیده تبریز وجود ندارد و بروز هر حادثه‌ای به دلیل نشت گاز، کل بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کنترل آتش‌سوزی در چنین شرایطی، بسیار دشوار خواهد بود.» اما آیا هزینه قرار گرفتن در مقابل چنین خطری کمتر از هزینه تأمین گرما از راه‌های اصولی‌تر است؟ البته در مورد تأمین برق بازار تبریز هم مشکلاتی وجود دارد که زمینه‌ساز خطرانی است که باید به آن توجه و رسیدگی شود. آتش‌سوزی گسترده در بازار تاریخی تبریز - و بسیاری از بازارهای تاریخی ایران- به دلیل اتصال سیم‌های برق، مؤید همین موضوع است.

راهکار دیگری که در طرح‌های مطالعاتی انجام‌شده در بازار تاریخی تبریز ارائه شده، اما چندان مورد استقبال قرار نگرفته است، ایجاد موتورخانه و حتی انرژی‌های پاک برای تأمین انرژی مورد نیاز است. در یکی از طرح‌های مطالعاتی ۱۰ موتورخانه برای کاروانسراهای بازار پیش‌بینی شده بود که علاوه‌بر ایمن‌بودن، گرمایش و سرمایش بازار را در فصل‌های سرد و گرم تأمین می‌کرد. این طرح در یکی از سراهای اصلی بازار اجرا شد، اما مورد استقبال قرار نگرفت. به‌گفته زواری، مسئله بسیاری از واحدها این است که انشعاب مستقل برای واحد خود داشته باشند و با انشعاب مشترک مخالف‌اند، درحالی‌که این راهکار هم موجب صرفه‌جویی در انرژی می‌شود و هم با روش ایمن‌تری گرمایش واحد و به‌طور کلی بازار تأمین می‌شود.

در مورد دیگر راهکار برای تأمین انرژی، رئیس پایگاه میراث جهانی تبریز به ایسنا گفته است: «استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی هم در جلسات مختلف مطرح شده، اما به نتیجه نرسیده است. بازار تبریز پتانسیل پیچیده و چندطبقه دارد. بسیاری از مغازه‌ها به پشت‌بام دسترسی ندارند و انرژی خورشیدی

جوابگوی نیاز گرمایشی بازار نیست، به‌ویژه در فصل زمستان»، او همچنین گفته: «پیشنهاد ما ایجاد نیروگاه‌های کوچک گازی در اطراف بازار بود. این طرح به سرمایه‌گذاری نیاز دارد. شهرداری، اداره برق و بخش خصوصی باید وارد عمل شوند. ما آمادگی داریم همکاری کنیم، اما بازاری‌ها همکاری نمی‌کنند. هزینه این کار بالاست و از عهد ما خارج است. ما با لوله‌کشی منفرّد در عرصه بازار مخالف‌ایم، اما با ایجاد نیروگاه و منبع در اطراف بازار که گاز بازار را تأمین کند، مخالفتی نداریم.» گازکشی در بازار تاریخی تبریز علاوه‌بر تهدید ایمنی، به کالبد این اثر منحصربه‌فرد جهانی نیز آسیب‌هایی وارد می‌کند. لوله‌ها و عموک‌هایی که در فواصل مشخص باید به کالبد بازار اضافه شوند، منظر آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. به‌گفته زواری، برای هر انشعاب گاز باید دو حفره ایجاد شود، یکی برای لوله و یکی برای دودکش که تعبیه دودکش هم به‌تنهایی مسئله‌ساز است و مشکلات خاص خود را دارد و همین موضوع باعث می‌شود در حجره‌ها از خوراک‌پزی برای تأمین گرمایش استفاده شود.

خطر حذف از فهرست جهانی یونسکو

یکی دیگر از نگرانی‌هایی که در مورد وضعیت بازار تاریخی تبریز در سال‌های اخیر مطرح است، موضوع خطر خروج از فهرست میراث جهانی است. موضوعی که برخی فعالان میراث‌فرهنگی اجرای پروژه گازکشی را یکی از عوامل تقویت این احتمال می‌دانند؛ از جمله «دانیل توفیقی»، مدیرعامل مجمع میراث یاران گردشگری که چندی پیش نسبت به خطر حذف بازار تاریخی تبریز از فهرست جهانی یونسکو هشدار داد و این اقدام را برخلاف ضوابط حفاظتی یونسکو دانست. البته «وحید نواده»، معاون میراث‌فرهنگی آذربایجان‌شرقی، معتقد است: «موضوعی تحت این عنوان که گازرسانی به بازار ممنوع است و یا امکان‌پذیر نیست، در یونسکو وجود ندارد، اما اگر گازرسانی موجب تهدیداتی به‌لحاظ ایمنی در بازار شود، حتماً می‌تواند این خطر را به‌همراه داشته باشد.» با توجه به هشدارهایی که آتش‌نشانی و برخی کارشناسان میراث‌فرهنگی در سال‌های اخیر داده‌اند، این خطر بالقوه برای بازار تاریخی تبریز وجود دارد. اما حالا به‌گفته رئیس پایگاه میراث جهانی بازار تبریز: «تصمیم‌گیری درباره این موضوع در سطح وزارتخانه و برعهده وزیر است. ما نه اختیار داریم، نه امکان داریم که در استان تصمیم نهایی را بگیریم. مسؤلیت این تعهد بین‌المللی برعهده مقامات ارشد وزارت است. ما فقط می‌توانیم پیشنهاد و نظر کارشناسی بدهیم و منتظر باشیم که در سطح بالا در وزارت میراث‌فرهنگی در این‌باره جمع‌بندی کنند.» یک بار تجربه چراغ سبز وزارت به این اقدام در دوران وزارت ضرغامی، منجر به صدور مجوز پروژه و آغاز به کار آن شد، حال باید دید «سیدرضا صالحی امیری» کدام رویکرد را در مقابل این مسئله در پیش می‌گیرد؛ تأکید بر حفاظت یا توجه صرف به یک مطالبه مردمی. مطالبه‌ای که راهکارهای اصولی بسیاری برای تحقق آن پس از دو دهه چالش وجود دارد.

نوبت دوم



اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرنده

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان زرنده تصرف مالکانه و بلامعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات ایشان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱-بتول گلستانی فرزند عباس ششدانگ خانه به مساحت ۳۰۴/۸۵ متر مربع از پلاک ۱۷۷۸ اصلی در ابراهیم آباد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی درویش رحمانی

۲-زینب صباچی تاج آبادی فرزند علی ششدانگ باغ به مساحت ۴۰۲۷/۶۷ متر مربع از پلاک ۲۲۸۶ اصلی در ده

شیخ زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی نعمت الله ابولی

۳-حسین محمدی اکبرآبادی فرزند محمد ششدانگ باغ به مساحت ۵۸۰۱/۵۲ متر مربع از پلاک ۲۲۸۶ اصلی در ده شیخ زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی ماشاءالله محمدی

۴- سید فهیم میرطاهری فرزند سیدعطاءالله ششدانگ خانه به مساحت ۲۰۰/۵۰ متر مربع از پلاک ۲۳۶۲ اصلی در حسین‌آباد حومه زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد منصوری

۵-محمد اسماعیلی سرتختی فرزند علی ششدانگ خانه به مساحت ۱۸۵/۵۰ متر مربع از پلاک ۲۳۰ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در حسین آباد حومه زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد نیک نفس زرنده

۶-فاطمه افسری فرزند محمدحسن ششدانگ خانه به مساحت ۳۰۰/۵۰ متر مربع از پلاک ۴۶ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در حسین‌آباد حومه زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی فاطمه موسوی

۷- مهدی ،علی ،عباس همگی حبیب زاده زرنده فرزند ماشاءالله و اسماعیل حبیب زاده زرنده فرزند محمد (هر کدام نسبت به یک دانگ مشاع) و بی بی جان،بتول،فاطمه و مرحمت همگی حبیب زاده زرنده فرزند ماشاءالله (هر کدام نسبت به نیم دانگ مشاع) از ششدانگ مغازه به مساحت ۶۴/۹۷ متر مربع از پلاک

۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی بی بی مریم مرتضوی

۸-مهدی ،علی ،عباس همگی حبیب زاده زرنده فرزند ماشاءالله و اسماعیل حبیب زاده زرنده فرزند محمد (هر کدام نسبت به یک دانگ مشاع) و بی بی جان،بتول،فاطمه و مرحمت همگی حبیب زاده زرنده فرزند ماشاءالله (هر کدام نسبت به نیم دانگ مشاع) از ششدانگ مغازه به مساحت ۷۰۰/۰۳ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی بی بی مریم مرتضوی

۹- سیدصالح حسینی فرزند سیدرضا ششدانگ مغازه به مساحت ۵۴/۴۰ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی زهرا صالحی

۱۰- سیدعبدالله مختاری آپنگوئی فرزند رمضان و بتول مهدی زاده گزوثی فرزند حسین بالمناصفه ششدانگ خانه به مساحت ۲۹۶/۰۹ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی مهرعلی فردوسی

۱۱- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۱۹/۹۷ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۲- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۲۳/۹۵ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۳- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۲۳/۹۵ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۴- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ خانه به مساحت ۲۳۸۹ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۵- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ خانه به مساحت ۱۹/۴۸ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۶- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۲۳۸۹ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۷- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۲۳۸۹ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۸- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۲۳۸۹ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۳- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۱۹/۴۸ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۴- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ خانه به مساحت ۳۸۰/۲۱ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۵- حسین رشیدی زرنده فرزند حبیب الله ششدانگ مغازه به مساحت ۲۹/۵۰ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۶- فاطمه جمالیزاده تاج آبادی فرزند علی ششدانگ خانه به مساحت ۲۵۶/۷۵ متر مربع از پلاک یک فرعی از ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی فاطمه جعفرزاده

۱۷- علی باصره فرزند محمد ششدانگ کارگاه مصالح ساختمانی به مساحت ۱۹۳/۰۳ متر مربع از پلاک یک فرعی از ۲۳۸۹ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد کریمی رهنما

۱۸- محمود محمدی هنجروئی فرزند علی ششدانگ خانه به مساحت

۲۲۶/۹۵ متر مربع از پلاک ۲۳۹۰ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر رهنما

۱۹- مصطفی محمدی هنجروئی فرزند محمود ششدانگ خانه به مساحت ۲۳۵/۶۵ متر مربع از پلاک ۲۳۹۰ اصلی در کهنوج زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر رهنما

۲۰- هادی همتی سرپرده فرزند احمد ششدانگ خانه به مساحت ۲۴۰/۲۶ متر مربع از پلاک ۲۴۱۷ اصلی در شاهرمزد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر محمودزاده

۲۱- علی افشارزرنده فرزند حسین ششدانگ مغازه به مساحت ۳۵/۳۲ متر مربع از پلاک ۲۲۸ فرعی از ۲۴۳۱ اصلی در شاهرمزد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی علی افشار

۲۲- علی افشارزرنده فرزند حسین ششدانگ مغازه به مساحت ۳۳/۴۵ متر مربع از پلاک ۲۲۸ فرعی از ۲۴۳۱ اصلی در شاهرمزد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی علی افشار

۲۳- علی افشارزرنده فرزند حسین ششدانگ مغازه به مساحت ۳۳/۴۵ متر مربع از پلاک ۲۲۸ فرعی از ۲۴۳۱ اصلی در شاهرمزد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی(متقاضی خود مالک رسمی می باشد)

۲۴- دارین گرانویل بهرامزاده ابراهیمی فرزند سیروس ششدانگ خالیه باغ به مساحت ۴۷۹۳۹/۲۰ متر مربع از پلاک ۵۰۳۰ اصلی در محمداًباد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس بهرام زاده ابراهیمی

۲۴- رویا میرزایی بادیزی فرزند محمد ششدانگ قسمتی از خانه به مساحت ۳۳/۴۹ متر مربع از پلاک ۳ فرعی از ۵۲۸۰ اصلی در زرنده بخش ۱۳

کرمان خریداری از مالک رسمی حسین ناظورزاده زرنده

۲۵- سیدمحمدرضاء،سیدجلال و سیدعباس همگی تهامی زرنده فرزند سیدهادی بالتساوی ششدانگ ساختمان تجاری مسکونی به مساحت ۵۳۰/۰۳ متر مربع از پلاک ۵۴۴۵ اصلی در زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سیدعلی اکبر تهامی

۲۶- مهدی رضازاده زرنده فرزند محمد ششدانگ خانه به مساحت ۳۲۸/۴۰ متر مربع از پلاک ۶۱۰۳ اصلی در شاهرخ آباد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی مجتبی نظریان

۲۷- محمد مختاری آپنگوئی فرزند حسین ششدانگ خانه به مساحت ۴۰۵/۱۰ متر مربع از پلاک ۶۳۴۲ اصلی در شاهرخ آباد زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی مجتبی نظریان

۲۸- سید فهیم میرطاهری فرزند سیدعطاءالله ششدانگ باغ به مساحت ۶۴۷/۷۰ متر مربع از پلاک ۶۷۶۲ اصلی در ریحان زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمود یزدان پناه فدایی

۲۹- بهژاد رئیس پورشیرازی فرزند روح الله ششدانگ باغ به مساحت ۱۱۲۹ متر مربع از پلاک ۷۰۰۵ اصلی در ریحان زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اسدالله شیخ عبدالسلامی

۳۰-سیداحمد میرطاهری سلیمان آبادی فرزند سیدحسین ششدانگ باغ به مساحت ۵۷۶/۷۹ متر مربع از پلاک ۷۰۷۵ اصلی در ریحان زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی زینب خانم تهامی پورزرنده





ایران ۱

[۶]

گفت‌وگوی «پیام ما» با استاد مطالعات توسعه، در نقد توسعه ناپایدار شهرها

بوی رستگاری از شهر نمی‌آید

با ابزارها و نگرش‌های پنجاه سال پیش نمی‌شود با غول جمعیتی امروز روبه‌رو شد

پایتخت در دور باطلی گرفتار است؛ سال‌ها هشدار درباره آلودگی هوا و نابرابری‌های شهری بی‌ثمر مانده و کیفیت زندگی در سایه رشد بی‌بهار و مدیریت‌های ناپایدار قربانی شده است. به باور «حسین ایمانی جارجمی»، استاد مطالعات توسعه، نبود زیرساخت‌های واقعی، تبعیض فضایی و نگاه ضدشهری حاکم برسیاستگذاری، باعث شده است مردم امیدوی اثرگذاری مطالبات خود نداشته باشند. به‌گفته او، این تناقض‌ها تهران را به شهری بدل کرده که در آن منافع گروه‌های قدرتمند بر منافع عمومی چون «هوای پاک» غلبه دارد. این جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «پیام ما» از دلایل جا ماندن از توسعه شهری می‌گوید و اینکه در شرایط کنونی، سیاست‌های نامادین مشکل بزرگی چون آلودگی هوا را حل نمی‌کند.



| حسین غیاتی |

| روزنامه‌نگار |

[۶] آقای ایمانی جارجمی، طرح‌های مختلف برای کاهش آلودگی هوا در تهران، از سه‌شنبه‌های بدون خودرو تا دوجرخه‌های گران‌های، همگی نیمه‌تمام یا بی‌اثر مانده‌اند. فکر می‌کنید اجرای برنامه‌هایی متناسب با شاخص‌های توسعه پایدار جدی گرفته نمی‌شود یا دلایل دیگری دارد؟

به‌نظر من، علل چنین وضعیتی چندگانه است. بخشی به اقتصاد سیاسی حاکم بر تهران برمی‌گردد، بخشی به مدیریت شهری و نحوه انتخاب مقامات و دستورکارهایی که دنبال می‌کنند و بخشی هم برمی‌گردد به شکست‌های برنامه‌ریزی شهری یا مدل غالبی که تهران براساس آن توسعه پیدا کرده است که خودرومحور است و شهرسازی مبتنی‌بر خودرو تعریف شده. حتی دیدهام وقتی مقامات سیاسی صحبت می‌کنند، پذیرفته‌اند که خودرو یک اصل مسلم است. درحالی‌که اصل مسلم، حمل‌ونقل پایدار است. این نوعی اشتباه گرفتن ابزار با اصل است. این سه موضوع در مورد مسئله آلودگی هوا و مسئله توسعه پایدار شهری وجود دارد.



| حسین ایمانی جارجمی |

| استاد مطالعات توسعه |

هوای پاک منفعتی عمومی است که همه می‌توانند از آن بهره ببرند، اما منافع جزئی‌نگر گروه‌های قدرتمند و تضاد آنها با منافع عمومی، همراه با محدودیت‌های مالی و ساختاری، باعث شده دولت و شهروندان نتوانند رفتارهای لازم را تغییر دهند

[۶] این میان نقش شهروندان چیست؟ آلودگی هوا دغدغه آنهاست و به‌دلایش اشراف دارند، اما چرا این نارضایتی نمود رفتاری ندارد؟

من فکر می‌کنم مردم عادی قسمت آخر این داستان هستند که باید در مورد آگاهی، نگرش و رفتارهایشان صحبت کرد. مسائل کلان و ساختاری نقش مهم‌تری اینجا بازی می‌کنند. در کنار تفاوت اطلاعات و دانش افراد، نگاه آنها به مسائل و رفتارشان هم متفاوت است. شهری را توسعه‌یابی در شهری که شیب دارد و فکری برای اتصال خطوط حمل‌ونقل نشده، دشوار است. علاوه‌بر اینها، تفکیک جنسیتی فضاهای شهری، طراحی بد یا نبود مسیرهای دوجرخه‌سواری و نبود توقفگاه یا امکان حمل دوجرخه، دوجرخه‌سواری را بیشتر به عملی سمبلیک تبدیل می‌کند و آن را در دسته سیاستگذاری‌های نامادین قرار می‌دهد و مردم جدی نمی‌گیرند. اتفاقاً تیم مدیریت قبلی شهرداری تهران هم استدلالش این بود که داریم کار فرهنگی می‌کنیم. اگر بستر آماده نباشد، هر چقدر هم به آدم‌ها بگویید که استفاده از خودرو شخصی بد است و باید از حمل‌ونقل عمومی یا دوجرخه استفاده کنیم، فایده‌ای ندارد. چون بی‌نظمی در برنامه‌ریزی ترافیکی هم مشاهده می‌شود؛ امکانات در دسترس متنوع نیست و حمل‌ونقل عمومی به همه جا کشیده نشده است. بنابراین، جواب روشن است؛ چون امکانات نیست، اتفاقی هم نمی‌افتد.

[۶] در مقابل چرا طرح‌های مشابه در کشوری دیگر نتیجه می‌دهد؟

به این دلیل که در موردش مطالعات جدی انجام شده

است و فضای شهر و امکانات را متناسب با این وضعیت تغییر داده‌اند و بعد به افراد امکان انتخاب داده‌اند. آنها موفق‌اند چون فرد می‌بیند اگر حمل‌ونقل عمومی را انتخاب کند، به‌نفع اوست. زودتر، ارزان‌تر و ایمن به مقصد می‌رسد. بنابراین، آدم‌ها بیشتر به‌سمت حمل‌ونقل عمومی می‌روند. مثلاً در لندن وقتی وارد طرح ترافیک می‌شوی، باید هزینه پرداخت کنی. حتی پولدارها حاضر به تحمل این هزینه نیستند، چون استدلال می‌کنند که گران است و نمی‌صرفد؛ بعد نتیجه می‌گیرند وقتی اتوبوس و مترو هست، چرا خودرو شخصی استفاده کنیم؟ یعنی امکان تغییر رفتار بسیار فراهم است. ما در واقعیت کاری نکرده‌ایم و به‌صورت سمبلیک تبلیغاتی را انجام می‌دهیم و روشن است که این‌دست اقدامات معمولاً به جایی نمی‌رسد.

[۶] به‌نظر شما تمایل نداشتن به توسعه پایدار به این دلیل نیست که اساساً توسعه در ایران ناقص شکل گرفته است؟

مدل‌های توسعه در تحول خود ابتدا از پروژه‌ها شروع شده‌اند و به طرح‌های توسعه انسانی رسیده‌اند؛ یعنی انسان و کیفیت زندگی‌اش مبنای توسعه شده است. اما این هنوز در ایران رخ نداده است. ما هنوز همان پارادایم توسعه رضاشاهی را مد نظر داریم. پروژه‌های مادی مثل ساخت بزرگراه و ساخت پل و برج طبقه‌بندی در اولویت هستند و بیشتر منابع برای آنها هزینه می‌شود. اصلاً انسان و مسائل انسانی و نیازهایش و حق بر شهر و احترام به افراد مطرح نیست. اینها نه در دستورکار حکومت است و نه در دستورکار مدیریت شهری؛ حتی با سوءظن به این مباحث نگاه می‌شود.

این‌گونه مباحث، وارداتی و غربی به حساب می‌آیند. بنابراین، جایی برای بیانشان پیدا نمی‌شود. ممکن است در محافل روشنفکری درباره‌شان صحبت شود، اما اگر قرار است عینیت پیدا کند و در شهر دیده شود، باید وارد ساحت قدرت شود و برود جایی که منابع و کارگزاری برای اعمال تغییرات وجود دارد. نکته بعد نابرابر بودن شهر تهران است. این نابرابری ایجاد اجتماعی و فضایی دارد و جلوی پیدایش روحیه برادری شهری گرفته می‌شود. در نبود این روحیه کمتر می‌بینید که آدم‌ها در شهر با احترام متقابل رفتار کنند. به‌خاطر دوگانگی و اختلاف طبقاتی موجود که در عمل هم کاری برای کاهش و ترمیم آن انجام نگرفته، شهر قربانی شده است. همه گروه‌ها به‌ویژه گروه‌های قدرتمند به‌دنبال منافع خود از شهر هستند، منافع جزئی‌نگر، چون خاص است، با منفعت عمومی در تضاد است. هوای پاک منفعتی عمومی است که همه می‌توانند از آن بهره ببرند. اما برای رسیدن به هوای پاک الزاماتی وجود دارد که باید به آن تن داد. این درحالی‌است که منفعت شرکت‌های خودروسازی در

زمنه هوای پاک در تضاد با منفعت عمومی است.

دولت به‌دنبال جلب رضایت عمومی است، ولی می‌داند که اگر بخواهد در برنامه سوخت‌رسانی نیروگاه‌ها تغییری بدهد، مجبور است هزینه زیادی بدهد. پس به این‌گونه مسائل تن نمی‌دهد. از آن طرف برای شهروندان نیز امکان تغییر رفتار وجود ندارد. در وضعیتی گرفتار شده‌ایم که تغییر در آن امکان‌پذیر نیست.

زمنه هوای پاک در تضاد با منفعت عمومی است. دولت به‌دنبال جلب رضایت عمومی است، ولی می‌داند که اگر بخواهد در برنامه سوخت‌رسانی نیروگاه‌ها تغییری بدهد، مجبور است هزینه زیادی بدهد. پس به این‌گونه مسائل تن نمی‌دهد. از آن طرف برای شهروندان نیز امکان تغییر رفتار وجود ندارد. در وضعیتی گرفتار شده‌ایم که تغییر در آن امکان‌پذیر نیست.

زمنه هوای پاک در تضاد با منفعت عمومی است. دولت به‌دنبال جلب رضایت عمومی است، ولی می‌داند که اگر بخواهد در برنامه سوخت‌رسانی نیروگاه‌ها تغییری بدهد، مجبور است هزینه زیادی بدهد. پس به این‌گونه مسائل تن نمی‌دهد. از آن طرف برای شهروندان نیز امکان تغییر رفتار وجود ندارد. در وضعیتی گرفتار شده‌ایم که تغییر در آن امکان‌پذیر نیست.

زمنه هوای پاک در تضاد با منفعت عمومی است. دولت به‌دنبال جلب رضایت عمومی است، ولی می‌داند که اگر بخواهد در برنامه سوخت‌رسانی نیروگاه‌ها تغییری بدهد، مجبور است هزینه زیادی بدهد. پس به این‌گونه مسائل تن نمی‌دهد. از آن طرف برای شهروندان نیز امکان تغییر رفتار وجود ندارد. در وضعیتی گرفتار شده‌ایم که تغییر در آن امکان‌پذیر نیست.

[۶] دور باطل شده است.

دقیقاً، مزمن هم شده است. مسئله اسمال و پارسال و پنج سال قبل نیست. هوای تهران شاید از پنجاه‌شصت سال پیش معضل است. این نشان می‌دهد این مسئله غامض شده و مسئله غامض با نگرش‌ها و راهکارهای موجود، حل‌نشده‌ی است. با سخنرانی و دستور دادن حل نمی‌شود. با نصیحت و کارهای سمبلیک هم حل نمی‌شود. لازم است اراده جدی وجود داشته باشد و برنامه دقیق می‌خواهد که مشارکت مردمی بالایی آن را حمایت کند. ولی اینجا یک نکته مثبت وجود دارد؛ این‌دست مسائل در جاهای دیگر حل شده است، مثلاً لندن یا مکزیکوسیتی که شهرهای بسیار آلوده‌ای بودند، الان این موضوع را حل کرده‌اند. در زمان حاضر آلودگی هوا در شهرهای کشورهای درحال‌توسعه وجود دارد. مثلاً شهرهای بزرگ و صنعتی چین یا هند، یا تهران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و دورنمایی هم برای حل مسئله وجود ندارد. چون کماکان راه‌حل‌های گذشته که جواب نداده‌اند، در دستورکار است. این راه‌حل‌ها مقطعی و موقت است.

[۶] برای سکستن این دور باطل و ایجاد تغییر چه باید کرد؟ تصمیم‌گیران و برنامه‌نویسان باید تغییر کنند یا اینکه مجریان سیاست‌ها دنباله‌روی خواست عمومی شوند؟ یا بودجه و منابع تخصصی پیدا کنند؟ شاه‌کلید حل مسئله چیست؟

این تصمیم سختی است؛ شما از طرفی رشد و درآمد را می‌خواهی و این، از سوی دیگر در تناقض با محیط‌زیست است. اینجا بین توسعه و حفاظت از محیط‌زیست اهدافی متناقض و رابطه‌ای منفی وجود دارد، به‌ویژه اینکه اگر رشد با الگوهای مدیریت منسوخ و تکنولوژی قدیمی باشد، طبیعی است که کیفیت محیط‌زیست لطمه می‌خورد. این بحث‌ها الان در سطح جهانی مطرح است. بخش بزرگی از توافق اقلیمی پاریس هم مربوط به‌کاهش شدیدکیفیت محیط‌زیست و شامل راهکارهایی است که متخصصان می‌دهند، ولی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و به خواست‌های این توافق‌نامه توجهی نمی‌شود؛ چون کشورها به رشد اقتصادی نیاز دارند و رشد یکی از ارزش‌های دنیای مدرن است. فرقی هم نمی‌کند، خاستگاه حکومت

اسلامی باشد یا سکولار، این را قبول کرده‌اند.

سیاستمدارها با افتخار درباره رشد اقتصادی صحبت می‌کنند. عموم افراد هم بر همین اساس قضاوت می‌کنند. اتفاقی که باید بیفتد، این است که ارزش‌های مادی جای خود را به ارزش‌های غیرمادی بدهند. مثلاً به‌جای اینکه پول و ثروت و ساخت کارخانه مینا باشد، برویم به‌سمتی که خود زندگی یا هوای خوب یا تنوع طبیعت ارزشمند تلقی بشود. برای این، به بستری اجتماعی و فرهنگی نیاز داریم که البته امکان رشد داشته باشد. ممکن است در مواقعی این‌دست مطالبات سرکوب شوند که باید این را هم در نظر گرفت؛ چون این‌گونه مطالبات محیط‌زیستی حرف متفاوتی می‌زنند و منافع عدلای را به خطر می‌اندازد.

پس یک نکته این است که تغییرات محیطی و فرهنگی و ادراکی لازم داریم. نکته دوم این است که باید از نظر سیاسی نظامی باز داشته باشیم تا مطالبات وارد فضای قدرت شوند. اگر نظام سیاسی باز نباشد، طرح بحث‌ها و مدافعاتش نه جایی پیدا می‌کنند و نه می‌توانند کاری کنند؛ نمی‌توانند برنامه‌ای را تغییر دهند یا بودجه تصویب کنند، چه مطالعات محیط‌زیستی انجام بدهند یا جریمه‌هایی برای آسیب‌زندگان به محیط‌زیست تعیین کنند. اصلاحات سیاسی و سیاستی هم مهم است. نکته دیگر دانش سبز است. یعنی مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها باید برای استفاده و داشتن انرژی پاک بیشتر مطالعه و تحقیق انجام بدهند و به این سؤال پاسخ بدهند که چگونه می‌شود فناوری سازگار با محیط‌زیست داشته باشیم.

در کشور ما اولویت‌دادن به محیط‌زیست هنوز مسئله ما نیست و سیاستمداری نیست که درباره‌اش صحبت کند؛ چون می‌بیند که طرفداری ندارد و چه‌بسا مردم اصلاً به حرف‌های چنین افرادی گوش ندهند. محافل قدرت هم برای این قبیل افراد تره خرد نمی‌کنند. می‌گویند «آقا این حرف‌ها چیست. ما بیکاری داریم، بعد در مورد هوای پاک حرف بزیم؟» درست که اینجا اهداف ناسازگاری به‌نظر می‌رسند، ولی کشورها موفق به حل آن شده‌اند و خود را با آن سازگار کرده‌اند و ما هم باید زمینه طرح این بحث‌ها را فراهم کنیم.

مدل‌های توسعه الزاماً نباید روی صنایع آلاینده طراحی شوند. شما می‌توانید با توجه به داشته‌ها و ظرفیت‌هایتان، مدل‌های توسعه دیگری را تعریف کنید. مثلاً ایران که تنوع اقلیمی و فرهنگ غنی دارد، می‌تواند بخشی از بار توسعه خود را به این سمت ببرد تا لازم نباشد ماشین رشد را هم‌جا ببریم و آلودگی را همه‌جا پخش کنیم. الان در جنوب کشور، منطقه چابهار در سواحل مکران را در نظر بگیرید که یکی از زیباترین سواحل اقیانوسی جهان است و در آن پالایشگاه احداث می‌کنیم. این منطقه از نظر طبیعی و فرهنگی بی‌تظیر است، ولی چون ارزش‌های محیط‌زیستی را درک نمی‌کنیم و در نظام تصمیم‌گیری‌مان این مباحث جایی ندارد، بدترین تصمیمات را می‌گیریم. صنایع و فعالیت‌هایی را در سواحل مستقر می‌کنیم که ظرفیت‌های محیط‌زیستی را از بین می‌برد و آلاینده است. پس ضرورت صحبت درباره این مسائل روشن است.

[۶] در زمان شهرداری آقای کرباسچی در تهران تصمیم گرفته شد که نرده‌ها و حفاظ اطراف پارک‌ها برداشته شود تا شهروندان به‌راحتی از این فضاها استفاده کنند. اما هم‌زمان شهرداری سیاست بلندمرتبه‌سازی و احداث پل و بزرگراه‌ها را در دستورکار داشت. به‌نظر شما در سر مدیریت شهری ما چه می‌گذشت که هم‌زمان اجرای دو دسته اقدامات کاملاً متضاد را در دستورکار خود قرار داده بود؟

مدیریت شهری در ایران انتصابی بود. در آن زمان انتخابات و شورای شهر نبود؛ هر چند همین الان که این ساختارهای دموکراتیک برپاست، انقدر سیاسی هستند که مطالبات شهروندی جایی ندارند. در آن دوران با توضیحاتی که بعداً آقای کرباسچی و مدیران و دست‌اندرکاران وقت دادند، معلوم شد قبول کرده بودند بودجه و منابع مالی از دولت نخواستند. آنها می‌خواستند شهر را با پول و درآمد خود شهر بگردانند، ولی به‌نظر می‌رسد که این تصمیم چندان صحیح نبود؛ چراکه منجر به شهرفروشی شد. طرح جامعی هم برای شهر نبود و سازمانی برای نظارت وجود نداشت. در چنین وضعیتی پول و منافع مالی توسعه‌دهندگان مستغلات، شهر را رشد و توسعه داد. آنها در هر کجا که منافعیشان می‌گذشت، شروع به ساخت‌وساز می‌کردند و شهرداری هم شریکشان می‌شد. ماشین رشد مستغلاتی به راه افتاد که الان هم درحال حرکت است و اگر نباشد شهرداری منابعی برای گرداندن خودش ندارد. شهرداری در کوتاه‌مدت درآمد زیادی بدست آورد، ولی آینده پایتخت نابود شد. ما بدهی بزرگی به نسل‌های بعد داریم و فرصت توسعه تهران را از آنها گرفته‌ایم. تقریباً هیچ فضایی نیست که ساخته نشده باشد یا هیچ ضابطه‌ای را محترم نگذاشتیم تا طبق آن تصمیم گرفته شود. همه‌چیز را کالا کرده‌ایم و قابل خریدوفروش، البته این یک بخش است.

همان مدیریت شهری برای توسعه فضای سبز و فرهنگی هم کار کرد؛ مثلاً تغییر فضای کشتارگاه تهران به فرهنگسرای بهمن یا تغییر اداره سررشته‌داری ارتش در خیابان ایرانشهر به خانه و پارک هنرمندان، یا اجرای ایده برای محلات و خانه‌های فرهنگ کارهای خوبی بود. اگر منصفانه دآوری کنیم، کارهای خوبی در حوزه توسعه زیرساخت‌های اجتماعی انجام شد، ولی شیوه کسب درآمد برای شهرداری غلط بود.

[۶] چه راه دیگری برای تأمین درآمد وجود داشت؟

الزاماً دلیلی برای توافق با سازوینفروش‌ها برای کسب‌درآمد وجود نداشت. راهش این بود که با شهروندان شفاف صحبت کنید و آنها را در اداره شهر شریک کنید. از مردم می‌خواستید عوارض و مالیاتی را که لازم بود تا شهر اداره شود، پرداخت کنند. در این‌صورت جلوی حیف‌ومیل مالی و خاصه‌خرچی‌ها گرفته می‌شد. مثلاً ساخت برج میلاد چه توجیهی داشت؟ درحالی‌که اطراف تهران پر از کوه‌های زیباست، ساخت برج ضرورت نداشت و به‌نظر می‌رسد تصمیمی غلط و نوعی بی‌مسئولیتی بوده است. در شهری که نیازمند مدرسه است، اگر پولی وجود دارد، باید برای این اولویت خرج بشود. بودجه باید خرج ساخت مدرسه، بیمارستان، دانشگاه زمین‌های بازی کودکان صرف شود. نه پروژه‌های نامادین. اینجا با هم اجرای سیاست سمبلیک در میان است، ما بیشتر در همین بخش کار کرده‌ایم.

[۶] فکر می‌کنید اگر بخواهیم فوری وضعیت تهران را هر کلانشهری را بهتر کنیم، برای توسعه پایدار شهر چه دستورکاری را مد نظر قرار دهیم؟

در وهله اول باید سیاستی ملی در مورد شهرها وجود داشته باشد تا تکلیف شهر در آن روشن شده باشد. مشکل ما این است که اکثر مقامات قدرتمند در ایران بینش ضد شهر دارند. نگاهشان به شهر منفی است و شهر را جایی می‌دانند که بوی رستگاری از آن نمی‌آید. شاید برگردد به اینکه بسیاری از ما از لحاظ تاریخی در روستا زندگی کرده‌ایم. تجربه‌های شهری ما تجربه‌هایی چندان موفق نبوده و این بینش به‌صورت ضمنی آشکار است. با وجود اینکه از امکانات شهر استفاده می‌کنند، هم‌زمان آن را لعن و نفرین هم می‌کنند. خب این یک تناقض است و تا زمانی که آن را بیرون نریزیم و در مورد آن صحبت نکنیم، مسئله شهر حل نمی‌شود.

تهران نقش مهمی در توسعه ایران داشته است. این شهر ابعاد منفی که ندارد، ابعاد مثبت هم داشته است. دانشگاه در اینجا متولد شده است. برنامه‌ریزی و روشنفکری در این شهر متولد شده است. برای همین در درجه اول باید تکلیف خودمان را با شهر روشن کنیم. اول باید بپذیریم که راه رستگاری و توسعه از شهرهایمان می‌گذرد یا نه. خب، اگر قبول داریم، بیاییم و به مشکلات آنها رسیدگی کنیم. آیا ما نظام شهری متوازن داریم؟ آیا جمعیت شهری در تمام سرزمین منطقی توزیع شده است؟ یا اینکه ما این بیماری بزرگ‌سری شهری را داریم و تهران فاصله‌اش با شهر دوم خیلی شده است. این، برای کشور مشکل درست کرده است. تکلیف این بحث‌ها باید در سیاست شهری ملی روشن شود و سیاست شهری ملی باید از میان جامعه مدنی و بخش خصوصی و دولت و اینها بیرون بیاید.

[۶] این سیاست چطور باید شکل بگیرد؟

به یک برنامه اقدام ملی نیاز است. من نه اراده‌ای برای اینکار می‌بینم و نه آگاهی برای فکر کردن به این‌دست موضوعات. ما اصولاً پروژه‌ای نگاه می‌کنیم. الان اقدام ملی به مسکن‌سازی تقلیل داده شده است. وزارت راهوشهرسازی به‌جای اینکه در جایگاه اصلی خودش و به فکر توسعه کشور و مسئله راهبردی شهر باشد و روی نقش شهروندان در شهر کار کند، عمده انرژی و فعالیتش برمی‌گردد به ساخت مسکن. کسی نمی‌گوید این بد است، ولی مسکن‌سازی را شرکت‌های خصوصی و حتی افراد عادی هم انجام می‌دهند. شما اگر کار اصلی خودت را انجام ندهی، کسی نمی‌آید که جای شما این کار را انجام دهد. کار اصلی شما این است که اسناد سیاستگذاری با کیفیت تولید کنید و تکلیف یک‌دست از مسائل روشن بشود، نظارت بر تحقیق این اسناد را انجام دهی و گزارش عملکرد بگیری و به‌طور منظم برای کارایی نظام شهری و رفع نواقص آن تلاش کنی. اینها وظایف ستادی است.

مثلاً تهران شهری معمولی نیست؛ شما یک متروپولیتن داری با ۱۵ میلیون جمعیت ساکن در آن. این کلانشهر شامل ده‌ها شهر متوسط و کوچک و صدها روستاست. چرا درباره اداره بهتر آن فکری نمی‌شود؟ چرا نظام اداری ما با این واقعیت متناسب‌سازی نمی‌شود؟ شما به حمل‌ونقل در همین تهران بزرگ نگاه کنید؛ خیلی‌ها از کرج و دماوند به تهران رفت‌وآمد روزمره دارند. این به‌معنای ضرورت ایجاد یک سازمان حمل‌ونقل منطقه‌ای است. درحالی‌که هر شهرداری در این محدوده وسیع برای خودش معاونت و سازمان حمل‌ونقل دارد. این یعنی اتلاف منابع مالی و انسانی. عملکردها هم ضعیف است. اینها به این دلیل است که ما راجع به خود شهر و انواع شهرها و تحولات شهری ایران صحبت نکرده‌ایم.

همیشه سر کلاس به دانشجویانم می‌گویم تهران و کرج با هم یکی شده‌اند و یکپارچگی فضای کارکردی پیدا کرده‌اند. اسماشان هم باید تغییر کند و مثلاً باید به آن «کران» بگوییم؛ تلفیقی از کرج و تهران. این دیگری بلکه معمولی نیست. یک غول جمعیتی است که با ابزارها و نگرش‌های پنجاه سال پیش نمی‌شود با این پدیده برخورد کرد. اگر برخورد شما درست نباشد، مسائل بیشتری تولید می‌شود. صدقاً همان «از قضا سرکنگبین صفرا فرود» است. اگر این درک حاصل نشود که بالاخره واقعیت فضای اجتماعی و فضایی تغییر کرده است، نه‌تنها مشکلات حل نخواهند شد، بلکه ده‌ها مشکل جدید تولید می‌شود.



عکس نوشت

عکاس: احمد ریاحی دهکردی - ایرنا



هرساله در اواخر ماه مرداد پدیده نجومی بارش شهابی پرساوشی که اوج فعالیت آن ۲۰ تا ۲۳ این ماه است، رخ می‌دهد و در زمان اوج بارش شاهد رصد ۱۰۰ تا ۱۲۰ شهاب در ساعت هستیم. از جذابیت‌های بارش‌های شهابی این است که نیاز به ابزار رصدی خاصی نیست و با چشم غیرمسلح نیز قابل‌رؤیت است.

چهره

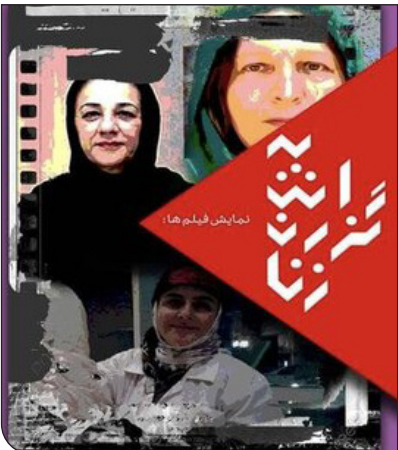
پیکر نوازنده و خواننده بلوچ به خاک سپرده شد



پیکر «شمس‌الدین مطربیان»، نوازنده و خواننده بلوچ، که شامگاه ۲۳ مرداد در یک مهمانی خصوصی به ضرب گلوله کشته شد، دیروز (۲۵ مرداد) به خاک سپرده شد. به گزارش خانه موسیقی ایران، قاتل که شخصی با حالتی غیرعادی بود، به او و چند نفر دیگر شلیک کرد که منجر به مرگ مطربیان و زخمی شدن یک نفر شد. قاتل متواری است و هنوز دستگیر نشده است. مطربیان سرپرستی گروه «شهباز قلندر» را برعهده داشت.

مستند

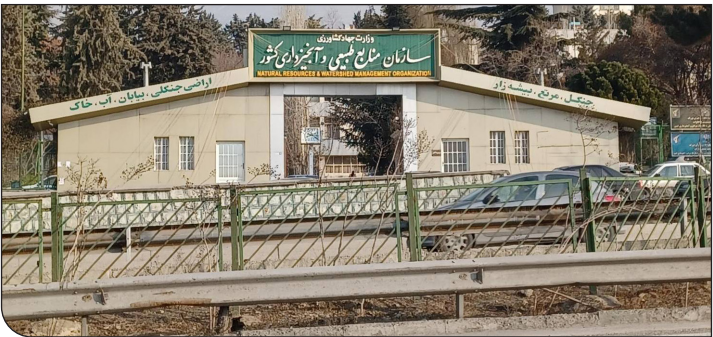
نمایش مستندهایی درباره سه زن هنرمند



هم‌زمان با برپایی نمایشگاه «به گزارش زنان»، سه مستند درباره سه زن هنرمند در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران نمایش داده می‌شود. این برنامه یکشنبه ۲۶ مرداد ساعت ۱۶ برگزار می‌شود و شامل مستندهای «گیزلا» ساخته «خسرو سینایی» درباره «گیزلا وارگا سینایی»، «میان سایه و نور» درباره «فرح اصولی» و «هم‌نفس با سنگ» درباره «فرزانه اسعدی» است. این آثار زندگی و آثار این هنرمندان را به تصویر می‌کشند. علاقه‌مندان می‌توانند به موزه هنرهای معاصر تهران مراجعه کنند.

حاشیه

انجمن جنگلبانی ایران هشدار می‌دهد
انحلال سازمان منابع طبیعی
یعنی تهدید امنیت آینده ایران



پیام ما | انجمن علمی جنگلبانی ایران با صدور بیانیه‌ای نگرانی خود نسبت به مصوبه اخیر شورای عالی اداری مبنی بر انحلال سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری و انتقال وظایف آن به دیروز نهادها را ابراز کرد. در این بیانیه که به امضای «سیدعطاءالله حسینی»، رئیس انجمن علمی جنگلبانی ایران، رسیده، چهار نقد به این مصوبه مطرح شده است. اولین نقد به مغایرت مصوبه با قوانین و اصول حاکمیتی برمی‌گردد و در این باره آمده است: «این مصوبه با قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، قانون ملی شدن جنگل‌ها و اصل ۴۵ قانون اساسی (حاکمیت عمومی و نه دولتی بر اقال) در تضاد است. شورای عالی اداری صلاحیت انحلال نهادهای قانونی که به حکم مجلس ایجاد شده‌اند را ندارد و هرگونه تغییر در ساختار سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است.» دومین انتقاد به تهدید امنیت زیستی و غذایی کشور مربوط می‌شود. این بیانیه با بیان این گزاره افزوده است: «سازمان منابع طبیعی متولی حفاظت «سیدعطاءالله حسینی»، رئیس انجمن علمی جنگلبانی ایران، رسیده، چهار نقد به این مصوبه مطرح شده است. اولین نقد به مغایرت مصوبه با قوانین و اصول حاکمیتی برمی‌گردد و در این باره آمده است: «این مصوبه با قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، قانون ملی شدن جنگل‌ها و اصل ۴۵ قانون اساسی (حاکمیت عمومی و نه دولتی بر اقال) در تضاد است. شورای عالی اداری صلاحیت انحلال نهادهای قانونی که به حکم مجلس ایجاد شده‌اند را ندارد و هرگونه تغییر در ساختار سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است.» دومین انتقاد به تهدید امنیت زیستی و غذایی کشور مربوط می‌شود. این بیانیه با بیان این گزاره افزوده است: «سازمان منابع طبیعی متولی حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، قانون ملی شدن جنگل‌ها و اصل ۴۵ قانون اساسی (حاکمیت عمومی و نه دولتی بر اقال) در تضاد است. شورای عالی اداری صلاحیت انحلال نهادهای قانونی که به حکم مجلس ایجاد شده‌اند را ندارد و هرگونه تغییر در ساختار سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری مستلزم تصویب مجلس شورای اسلامی است.»

ایران است. «این مصوبه بدون مشورت با جامعه علمی، متخصصان منابع طبیعی، ذی‌نفعان و سازمانهای مردم‌نهاد تصویب شده و مغایر با شعار دولت مبنی بر «تصمیم‌گیری براساس نظر کارشناسان» است. از سوی دیگر، تجربه جهانی نشان می‌دهد در شرایط بحران محیط‌زیستی، تقویت نهادهای حاکمیتی حافظ منابع طبیعی ضروری است، نه تضعیف آنها.»

در چهارمین نقد پیامدهای فاجعه‌بار انحلال سازمان مطرح شده و آمده است: «اختلال در مدیریت یکپارچه منابع طبیعی و تجزیه وظایف به نهادهای پراکنده، کاهش نظارت بر عرصه‌های ملی و تسهیل تغییر کاربری غیرقانونی اراضی و تضعیف نیروهای متخصص و کاهش انگیزه کارکنان سازمان.»

در ادامه این بیانیه درخواستهای فوری انجمن جنگلبانی ایران در سه بند که شامل لغو فوری مصوبه شورای عالی اداری و توقف هرگونه اقدام جهت انحلال یا تضعیف سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری، ارتقای جایگاه سازمان به یک نهاد مستقل در قالب معاونت ریاست‌جمهوری یا وزارتخانه‌ای مجزا جهت تضمین حاکمیت عمومی و متمرکز بر منابع طبیعی تجدیدشونده و تشکیل کارگروه ملی متشکل از دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی، دستگاههای اجرایی و سازمانهای مردم‌نهاد برای بازنگری در ساختار حکمرانی منابع طبیعی با محوریت حفاظت، پایاداری، اکولوژیک و استفاده پایدار از این منابع تجدیدشونده می‌شود، ذکر شده است. در پایان این بیانیه انجمن جنگلبانی ایران هشدار داده که هرگونه بی‌توجهی به مفاد مندرج در این بیانیه، تخریب غیرقابل جبران منابع ملی و تهدید امنیت آینده کشور را در پی خواهد داشت.

شهرهای جهان

بحران اقلیمی به خانه‌های میراث جهانی در یورکینافاسو آسیب می‌زند
میراث رنگ‌پریده در طوفان تغییر اقلیم



پیام ما | خانه‌های نقاشی‌شده و منحصربه‌فرد تپیله در جنوب یورکینافاسو، که به‌عنوان میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند، اکنون به‌خطر تغییر اقلیم و عوامل انسانی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. این خانه‌ها با دیوارهای موحل و نقوش هندسی زیبا، بیانگر فرهنگ، مذهب و تاریخ مردم هستند، اما حالا این میراث ارزشمند با تهدیدات

در فرهنگ این منطقه، زنان مسئول نقاشی خانه‌ها هستند و از مواد طبیعی مانند سنگ، خاک رس و حتی کود گاو برای رنگ‌آمیزی استفاده می‌کنند. مهارت‌ها و دانش این کار در اختیار زن سالخورده‌ای به‌نام «کایه تینتاما» است که توسط یونسکو به‌عنوان «گنجینه زنده انسانی» شناخته شده است و وظیفه انتقال این هنر به نسل‌های آینده را برعهده دارد.

خانه‌ها اشکال خاصی دارند که بیانگر وضعیت اجتماعی ساکنان است: خانه‌های گرد برای مردان مجرد، خانه‌های هشت‌شکل برای زنان مسن و دختران مجرد و خانه‌های مستطیلی برای زوج‌های جوان. سقف‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که پس از برداشت محصول، غلات را خشک کنند.

با وجود این میراث فرهنگی غنی، تغییر اقلیم باعث شده منابع مورد استفاده مانند چوب برای ساخت خانه‌ها کاهش یابد و مواد شیمیایی خاک را ضعیف کرده‌اند. در نتیجه دوام خانه‌ها کاهش یافته است. این منطقه از جهان با افزایش سریع دما و کمبود منابع مقابله می‌کند؛ در واقع در حالی که تنها یک درصد از گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کند، بیشترین آسیب را از بحران اقلیمی متحمل می‌شود. آگاردین

گزارش

آیا کهن‌دارها می‌توانند گردشگری پایدار ایجاد کنند؟
فرصت دیدن زندگی سبز ۲۵۰۰ ساله



در قلب شهرستانک استان البرز، درخت ارس ۲۵۰۰ ساله ایستاده است؛ شهادی زنده بر تاریخ هزاران ساله طبیعت ایران که این روزها بیش از هر زمان دیگری توجه گردشگران و فعالان حوزه گردشگری را به خود جلب کرده است. بازدید راهنمایان گردشگری از این درخت کهن‌سال، بار دیگر اهمیت و ظرفیت‌های بکر کهن‌داری، شاخه‌ای نوظهور از اکوتوریسم، را به چشم مسئولان و کارشناسان کشور آورد؛ حرکتی که می‌تواند ایران را به قطب جهانی طبیعت‌گردی و حفاظت از درختان چند هزار ساله تبدیل کند؛ به‌گونه‌ای که می‌توانیم شاهد توسعه گردشگری پایدار و مسئولانه توأم با حفاظت از این گنجینه‌های تاریخی زنده باشیم. «مصطفی خوشنویس»، کارشناس و پژوهشگر حوزه میراث طبیعی، به‌عنوان محقق کهن‌دارهای ایران از اهمیت این درختان می‌گوید.



سامان قیمتی | فعال گردشگری

کمنظیری دارد. اما مهمترین ویژگی، بنیان ژنتیکی بسیار خوب آنهاست که آنها را در طی قرن‌ها از تنش‌های طبیعی مثل طوفان و برف سنگین و خشکسالی و سیل حفظ کرده. ارس‌ها در سه گونه ماده، نر و نرماه در طبیعت یافت می‌شوند و مهمترین ویژگی ارس شهرستانک هم ماده بودن آن است. این درخت از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ تحت بررسی قرار داشته که پس از ۲۰ سال به بار نشست و باعث شد بتوانیم این میراث ژنتیکی قدرتمند را به تعداد خوبی تکثیر کنیم.

جالب است بدانید امروزه علم تاریخ‌نگاری رویش یا دندروکرونولوژی یکی از حیاتی‌ترین بخش‌های تحقیقات باستان‌شناسی و دیرینه‌شناسی هستند و کهن‌دارها می‌توانند کلید گشایش معماهای تاریخی باشند. صد البته این موضوع درباره کهن‌دارهای البرز هم می‌تواند صادق باشد.

از نظر شما ارزشمندترین گونه‌های استان البرز چه گونه‌هایی هستند؟ و آیا هیچ‌کدام بومزاد (اندمیک) منطقه یا کشور هستند؟ تمام گونه‌های گیاهی از بوته‌ها و درختچه‌ها تا

ثبت ملی کهن‌دارها با پیگیری و مشارکت مستمر ادارات محیط‌زیست و میراث فرهنگی نه‌فقط در استان البرز بلکه در کل کشور در حال انجام است. در حال حاضر ۴۰ درخت در استان البرز شناسایی شده. نوبت جلسه بررسی کهن‌دارهای البرز به‌زودی فرامی‌رسد. در همین راستا پروتکل مشخصی تهیه شده است که به‌صورت روش‌مند تمامی موارد به نوبت بررسی و ثبت خواهند شد.

از برنامه جامع کشوری گفتید. به‌طور کلی وضعیت شناسایی کهن‌دارها در ایران چگونه است؟ ما در کشور تا به امروز فراتر از ۲۰۰ اصله درخت کهنسال را شناسایی کرده‌ایم که به ۶۰ گونه متفاوت تعلق دارند. می‌توان گفت این تنوع در گونه‌های کهن‌دارهای ایران جایگاه کم‌نظیری در دنیا دارند.

از نظر شما کهن‌دارهای البرز به‌ویژه درخت «ارس شهرستانک» چه اهمیت ویژه‌ای دارند؟ البته بارزترین ویژگی جذاب یک کهن‌دار، قدمت آن است. اما به‌طور خاص ارس به‌دلیل شکل مخروطی ویژه و همیشه سبز بودن، زیبایی